

 DOI: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2

عملکرد محاکم عدله در بندر بوشهر در دوره مشروطه و علل ناکارآمدی آن

زهرا مروتی^۱

علی‌اکبر خدری‌زاده^۲

چکیده: با وقوع انقلاب مشروطیت و ایجاد تحول در نظام دادرسی، اجرای عدالت و برقراری امنیت اجتماعی از مهم‌ترین مطالبات سیاسی- اجتماعی مردم بندر بوشهر بود. این منطقه در یکی از حساس‌ترین برش‌های تاریخی عصر قاجار، یعنی دوران گذار از جامعهٔ ستی به مدرن، در زمینهٔ حیات اجتماعی و سیاسی شاهد تحولات عمیقی بود. نگارندگان مقاله پیش رو در صدد بوده‌اند با رویکردی نسبتاً جامع، بر مبنای مندرجات مطبوعات و نشریات، استاد آرشیوی و کتب، به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی علل و عوامل ناکارآمدی محاکم عدله در بندر بوشهر را مورد بررسی قرار دهند. در پژوهش حاضر تلاش شده است ضمن بررسی عملکرد عدله، فرسته‌ها و چالش‌های این اداره مورد واکاوی قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که: عدلهٔ بندر بوشهر در انقلاب مشروطه با چه موانع و مشکلاتی مواجه بود؟ به نظر می‌رسد عوامل متعددی چون عدم تحول ساختارهای اجتماعی و سیاسی لازم در کشور، ناکارآمدی دولت در تأمین مالی عدله، فقدان قوانین منسجم و مدون نظام حقوقی، دخالت و نفوذ قدرت‌های محلی، مانند فشارها و اغتشاشات ایلات و نفوذ سیاسی اتباع خارجی، از موانع جدی فعالیت‌های عدله در بندر بوشهر بوده است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطه، بندر بوشهر، محاکم عدله، نظام حقوقی، استاد عدله بوشهر

۱ دانشجوی دکتری تاریخ گرایش ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، تهران، ایران morovati53@gmail.com

۲ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، تهران، ایران (نویسنده مسئول) khedrizadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

The Function of the Courts of Justice in Bushehr Port during the Constitutional Period, the Causes and Factors of its failure

Zahrah Morovati¹

Ali Akbar KHedrizadeh²

Abstract: With the constitutional revolution and the fundamental change in the judicial system, implementation of justice and establishment of social security were among the most important political demands of the people in Iranian ports along Persian Gulf. This region witnessed profound changes in one of the most sensitive historical period of the Qajar era, namely the transition from traditional society to modernity in the field of social and political life. The present paper seeks to historically investigate the causes and factors of judicial inefficiency in these ports using a comprehensive approach. It relies on the contents of press and publications, archival documents and books, and uses a historical research method based on the description and analysis of historical data. The present study aims to examine the function and challenges of this the courts of justice, while examining the functions of them. This study seeks to answer the question of "What obstacles and problems the courts of justice of Iranian ports in the Persian Gulf were faced with?" It seems that several factors led to their inefficiency such as lack of change in necessary social and political structures in the country.

Keywords: Constitutional Revolution, Bushehr port, courts of justice.

1 PhD Student Department of History, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH)Shahre Rey Branch,Islamic Azad University,Tehran,Iran. morovati53@gmail.com

2 Assistant Professor Department of History, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran,Iran. khedrizadeh@yahoo.com

Received: 2021/04/18

Accepted: 2021/09/14

مقدمه

با برقراری نظام مشروطه، مفاهیم جدیدی درباره نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و چگونگی رابطه آنها با حکومت مورد توجه قرار گرفت. به تبع آن افکار و خواسته‌های نوگرایانه‌ای در جامعه تجلی یافت و باعث شد نهادهای مدنی جدیدی تأسیس شوند که مشارکت مدنی را به همراه داشت. درواقع، مردم از موقعیت تابعیت و رعیت صرف حکومت، به شرارت در امر حکومت ارتقا یافتدند. از جمله نهادهای تأثیرگذار در بندر بوشهر اداره عدیله بود. محاکم عدیله یکی از نهادهای مهم حقوقی در عصر مشروطه به شمار می‌آمد و این امر منحصر به محاکم شهرهای بزرگ نبود. اگرچه شهرهایی چون تبریز، تهران و اصفهان در موضوع شکل‌گیری نهادهای مدنی جدی، به دلیل زمینه‌های فرهنگی موجود موفق‌تر بودند، اما اهمیت نهضت مشروطه در این بود که موفق شد تا نهادهای مدنی را مطابق با شرایط زمانی در همه نقاط ایران تأسیس کند. عدلیه بندر بوشهر با وجود تلاش برای برآوردن انتظارات مردم، به دلیل ریشه‌دار بودن مشکلات بر سر راه تعمیق و توسعه این انتظارات، نمی‌توانست یکباره انتظارات مردم را برآورده کند و به زمان بیشتری نیاز داشت تا قدرتمند شود. با این حال، این اداره با تأثیرپذیری از تحولات قضایی عصر مشروطه، تغییراتی را تجربه کرد که دارای اهمیت بسیار بود.

با گذشت زمان محاکم عدیله در مقام اجرا دچار کاستی‌ها و نارسانی‌هایی شده بودند و نتایج دلخواه به دست نمی‌آمد؛ زیرا بستر و زمینه‌های اجرایی آن باید مورد توجه قرار می‌گرفت. عوامل متعددی در ناکارآمدی عدیله در بندر بوشهر تأثیرگذار بودند. ضعف دولت مرکزی و نداشتن برنامه جامع برای توسعه و پیشرفت این اداره، نبود در ک صحیح و درست از اهمیت استراتژیک این بندر نزد دولتمردان قاجار، فقر قوانین و منابع مدون و قابل دسترسی برای کارمندان محاکم، عدم توسعه تعداد محاکم و اعمال و نفوذ رؤسای ایلات و عشایر، به سادگی امکان اجرای قوانین و مقررات حقوقی را فراهم نمی‌ساخت. از همین رو، به سبب فقدان تشکیلات منسجم، این اداره با مشکلات فراوانی روبرو بود. در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی عملکرد عدیله در بندر بوشهر، علل ناکارآمدی آن نیز مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق درباره عملکرد عدیله در بندر بوشهر، تاکنون پژوهش مستقل و منسجمی صورت نگرفته است. بیشتر مقالات موجود درباره عدیله معطوف به وزارت عدیله و نظام قضایی ایران بوده است. بر همین اساس، با وجود خلاصه پژوهشی تلاش شده است عملکرد این اداره در بوشهر از دیدگاهی جامع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از طرفی تکیه اصلی این مقاله بر روزنامه‌ها و اسناد به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی این دوره قرار دارد.

از جمله مقالاتی که در زمینه معرفی عدیله به چاپ رسیده، «نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطیت (۱۳۸۲) اثر سید حسن امین است.^۱ امین با نگاهی کلی، نظام قضایی ایران از دوره صفویه تا انقلاب مشروطیت را مورد بررسی قرار داده است. حمیده شهیدی نیز در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه شرع و عرف در نظام قانون‌گذاری صدر مشروطیت با تکیه بر اسناد عدیله»^۲ (۱۳۹۸) به اقدامات دولت مشروطه در توسعه قضایی و همچنین وظایف محاکم شرعی و عرفی پرداخته است. او معتقد است نمی‌توان ادعا کرد به طور کامل میان حوزه شرع و عرف تفکیک ایجاد شده است؛ زیرا سرچشمه نظام حقوقی ایران، احکام شرع بوده است. این پژوهشگر در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از عدیله و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سالهای آغازین مشروطه»^۳ (۱۳۹۶) که با همکاری هادی وکیلی و عباس سرافرازی به نگارش درآمده، به بررسی انتظارات مردم از عدیله در سالهای آغازین پس از مشروطه پرداخته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از مشروطیت با درک مفهوم مشروطیت از دیدگاه آنها وجود دارد.

۱ سید حسن امین (۱۳۸۲)، «نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطه»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، س ۲، ش ۹، صص ۷۱-۲۹.

۲ حمیده شهیدی (۱۳۹۸)، «جایگاه شرع و عرف در نظام قانون‌گذاری صدر مشروطیت با تکیه بر اسناد عدیله»، فصلنامه تاریخ پژوهی، ش ۷۹، صص ۹۵-۱۱۴.

۳ حمیده شهیدی، هادی وکیلی و عباس سرافرازی (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از عدیله و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سالهای آغازین مشروطه»، فصلنامه گنجینه اسناد، س ۲۷، ش ۴، صص ۸۷-۶۷.

حسین آبادیان در مقاله «موازنۀ شرع و عرف در نظام حقوقی ایران در دوره قاجار»^۱ (۱۳۸۹) تنها به بررسی تأثیر احکام شریعت بر نظام حقوقی ایران عصر قاجار بسته کرده است. یافته‌های این محقق نشان می‌دهد که شرع و احکام منبعث از آن در دوره مورد مطالعه، در همه‌ۀ ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم حضور داشته و بازترین عرصهٔ حضور آن را می‌توان در نظام حقوقی این عصر ارزیابی کرد. از جمله کتاب‌هایی که در زمینهٔ نظام حقوقی ایران عصر قاجار به چاپ رسیده، کتاب نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی^۲ (۱۳۹۰) به قلم ویلم فلور و امین بنانی است. نویسنده‌گان در این کتاب به بررسی محاکم شرعی و عرفی نظام قضایی، تحولات نظام قضایی در دورهٔ قاجار و پهلوی، دادرسی روستایی و ایلی، اجرای احکام و اصلاحات و اصلاح گران نظام قضایی، اصلاحات اولیه، عرفی‌سازی قانون و قوانین مربوط به ازدواج و خانواده پرداخته‌اند.

در مجموع می‌توان گفت پژوهش در زمینهٔ محاکم قضایی ایران، به‌ویژه عملکرد آنها در شهرها با مشکلات بسیاری روبرو است. عدم وجود منابع تحقیقاتی در این زمینه موجب شده است دانش‌آموختگان رشته تاریخ کمتر به این حوزه ورود کنند و پرداختن به موضوعاتی با مفاهیم دستگاه قضایی در میان دانشجویان رشته تاریخ از اقبال کمتری برخوردار است.

نظام حقوقی ایران از ابتدای دورهٔ قاجار تا انقلاب مشروطه

نظام حقوقی ایران عصر قاجار به‌واقع ادامه منطقی نظام حقوقی دورهٔ صفویه است؛ به‌ویژه زمانی که احکام شرع، گفتار مسلط آن دورهٔ تاریخی را شکل می‌داد. در دورهٔ قاجاریه به دنبال آشنایی ایرانیان با نهادهای سیاسی و اجتماعی اروپایی و لزوم نوسازی این نهادها، بازنگری در تشکیلات قضایی هم مطرح شد. کاپیتولاسیون موجود در عهدنامهٔ ترکمنچای که به دول خارجی اعطای شد، موضوع نوسازی قضایی

۱ حسین آبادیان (زمستان ۱۳۸۹)، «موازنۀ شرع و عرف در نظام حقوقی ایران در دورهٔ قاجار»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، س. ۲، ش. ۷، صص ۷-۲۴.

۲ ویلم فلور و امین بنانی (۱۳۸۸)، *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*، ترجمهٔ حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

را مؤکد می‌ساخت (بیگدلو، ۱۳۹۹: ۱۰۳). در این دوره نیز مانند دوره صفوی، عملًاً دو نوع محکمه وجود داشت؛ شرعی و عرفی. از آنجا که عرف ذیل شرع مفهوم پیدا می‌کرد و به قول منظقیون، نسبت آن دو عموم و خصوص مطلق بود، بین این دو حوزه تعارض و تناقضی به وجود نمی‌آمد. اساس و وظیفه عدیله مبتنی بر عدالت گسترشی و اشاعه دادخواهی است که بدون ملاحظه از احدها، با کمال دقت و رسیدگی صاحبان دعوا به محکمه رجوع نموده و حقانیت را به هر طرف از متداعین که استقرار یافت راجع دارد (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵ق: ش ۱۰۴، ص ۳).

محاكم شرع از آیات قرآن، فقه و شریعت اسلامی پیروی می‌کردند و محاکم عرف به مسائل جنایی می‌پرداختند. بنابراین مسائل اجتماعی شامل خرید و فروش، اختلافات شخصی، ازدواج و طلاق و مسائل مربوط به مالکیت، در محاکم شرع مطرح می‌شد و روحانیون به این مسائل رسیدگی می‌کردند. مردم به طور عموم به محاکم عرف اعتقاد و اعتمادی نداشتند و مشکلات خود را بیشتر با روحانیون که حاکم شرع بودند، در میان می‌گذاشتند؛ زیرا مبنای قضاوت محاکم شرع، قرآن مجید و مبنای قضاوت محاکم عرف، بیشتر میل حاکم بود که اغلب بدون دقت و توجه رأی می‌دادند و فوراً هم اجرا می‌شد (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۸۴۱).

در عصر ناصری شکایات از مجرای صدراعظم به حضور شاه تقدیم می‌شد. لمبتن معتقد است به طور کلی برای مردم راهی برای گریز از ظلم و بی‌عدالتی وجود داشت و مطمئن بودند مرجعی برای رسیدگی وجود دارد (المبتن، [بی‌تا]: ۱۷). از جمله اقدامات ناصرالدین‌شاه تشکیل دیوان‌خانه عدیله بود. در این دیوان‌خانه قوانین جدیدی نوشته شد که فواید زیادی برای «جمیع ممالک محروسه دولت علیه» داشت (روزنامه ایران، ۱۲۸۸ق: نمره اول، ص ۲). این دیوان مأمور ممیز و استیناف مواد محکومه در محاکم بود که موافق عادت و اخلاق و زمان با قوانین اداره می‌شد (روزنامه اختر، ۱۲۹۲ق: س ۱، نمره ۳، ص ۳). در مورد چگونگی اوضاع دیوان‌خانه در روزنامه وقایع اتفاقیه آمده است: «چون رأی جهان‌آرای اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه که مظهر عدل و انصاف و اشفاق و اعطاف نسبت به عموم رعایا و برایاست، متعلق بر این شده که دیوان‌خانه‌های عدیله در هر یک از ممالک محروسه برقرار و امور دعاوی مردم بی‌مداهنه از روی انصاف و عدالت گذشته

رفع تعددی و اجحاف از میان آحاد الناس بشود، لهذا ریاست دیوانخانه اعظم پادشاهی را چنان چه در ذیل روزنامه جات دیگر نوشته شده، به عهده کفایت امیرالامراء نظام معتمدالدوله عليه واگذار فرمودند که به حسن کفایت و درایت امور دیوانخانه مبارکه را منتظم بدارد و به دیوانخانه‌های عدیله ولایات هر یک امینی از چاکران قابل دولت جاوید آیت به نیابت خود بفرستد و کتابچه دستورالعملی به جهت دیوان‌بیگیان امین که معین می‌شود و استحضار حکام ولایات و امنی شرع مطاع علی‌حده مشتمل بر سی فصل امیرالامراء نظام مشارالیه نوشته به نظر اقدس همایون رسانده، تسلیم دیوان‌بیگیان گشته و به ولایات خواهند فرستاد» (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۵ق: نمره ۴۰۷، ص. ۲).

به طور کلی دستگاه قضایی عصر قاجار در سه مقطع مورد بازنگری قرار گرفت. یکی در عصر میرزا تقی خان امیرکبیر؛ دیگری در عصر میرزا حسین خان مشیرالدوله قزوینی؛ سوم در تحولات جنبش مشروطه؛ که مورد اخیر منتهی به تشکیل عدالتخانه شد. با این حال، اصلاحات مزبور به ندرت سبب اجرای عدالت در کشور و ارتقای نظام دادرسی و قضا شد (دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). در دوران صدارت میرزا حسین خان سپهسالار وزارت عدیله تشکیل و تلاش شد با تدوین قوانین مدون -که عمدتاً ترجمة قوانین عثمانی و اروپایی بود- و برقراری تشکیلات منسجم، قدم‌هایی در راه عدالت قضایی برداشته شود. با این حال، با وجود اصلاحات متعددی که تا انقلاب مشروطه به منظور عدالت قضایی صورت گرفت، همچنان کاستی‌های فراوانی در این بخش وجود داشت (فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۷۰).

عملکرد عدیله در دوره مشروطه

تفاضا برای عدالتخانه که قبل از انقلاب مشروطه مطرح شده بود، بیانگر تمایل مردم برای استقرار عدالت بود. سرگذشت عدیله در این دوره با خواست مردم معارض به حکومت قاجاریه، برای تأسیس عدالتخانه گره خورد. در سال‌های متمادی اقداماتی در وضع و رعایت اصول، روندهای قضایی و حقوقی و ساماندهی بهتر امور محاکم عرفی و شرعی انجام شده بود، اما این تلاش‌ها در برابر خواست اجتماعی تحقق عدل و قانون قانع کننده نبود. با انقلاب مشروطه، توجه به تأسیس

عدالت‌خانه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری که بسیاری بر این باورند که انقلاب مشروطه تنש میان حکومت خودسرانه و آرزوی عمیق اجتماعی برای برقراری عدالت بود (Richard, 2019: 74).

روزنامه آفتاب درباره اهمیت تشکیل عدالت‌خانه و محاکم عدليه نوشتند بود: «اگر بخواهیم خرابی یا آبادی یک مملکت ذلت یا عزت یک قوم را به خوبی بفهمیم، همین قدر که به طرز محاکمه و قوانین قضائیه آن نظر انداریم کاملاً مقصود خود را یافته و حقیقت را کشف کرده ایم.» (آفتاب، ۱۳۳۰ق: ش ۴۰، ص ۲).

جريدة ملی یکی از ارکان اصلی مشروطیت را اجرای عدل و قانون مساوات می‌دانست. در این نشریه آمده است: «رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند. می‌توان گفت امروز قوایم و ارکان مشروطیت که معنی انتشار عدل و قانون مساوات است برقرار شده و بنیاد اتحاد فیما بین ملت و دولت استحکام یافت. خیال استبداد و ظلم را از قلوب و افاسی و ادانی قلع و قمع نموده و بساط عدل و داد را در وطن عزیzman می‌گستراند» (جريدة ملی، ۱۳۲۴ق: ص ۱).

پس از مشروطه با تدوین متمم قانون اساسی و قانون اصول تشکیلات عدليه مصوب سال ۱۳۲۹ق، بنیان عدليه جدید پی‌ریزی شد. طبق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی، قوه قضائیه مستقل شد. قوه قضائیه و حکمیه عبارت از تمیز حقوق بود و این قوه مخصوص محاکم شرعیه در شرعیات و محاکم عدليه در عرفیات بود (بشیری، ۱۳۶۲: ۱۰۲/۱). طبق اصل ۷۱، تفکیک محاکم شرع و عرف که سنت دوران صفویه بود، به رسمیت شناخته شد. همچنین طبق اصل ۷۲ قانون اساسی، رسیدگی به جرایم سیاسی در صلاحیت دادگاه‌های عام قرار گرفت. در زمان فرمانفرما وزیر عدليه، چهار محکمة ابتدایی، جزائی، استیناف و تمیز فعالیت خود را آغاز کردند. در سال‌های بعد در وزارت مشیرالدوله پیرنیا، مدعی‌العموم (دادستان) و دیوان تمیز بر تشکیلات عدليه اضافه شد. در کمیسیون وزارت عدليه در مجلس، تغییراتی در ساختار تشکیلات عدليه به تصویب رسید که بر اساس آن دادگاه‌های رسمی به سه دستهٔ صلح، استیناف و تمیز تقسیم شدند. قوانین به اصول محاکمات حقوقی جزائی و تجاری تقسیم شد و در همین دوران به تصویب رسید (فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۸۵). در اصول متمم قانون اساسی آمده است همهٔ شکایات باید رسماً به وزارت عدليه و

دادگاه‌های مدنی ارجاع شوند. نصب اعضای دادگاه‌ها براساس قانون خواهی است. رؤسای دادگاه‌ها نمی‌توانند مشاغل دولتی دیگری را انتخاب کنند. به استثنای مواردی، این مشاغل بدون دریافت حق‌الرحمه بوده است. در هر ایالت باید براساس اصولی که در نظام نامه قضائی ذکر شده، استیناف تشکیل شود. وزارت عدیله و دادگاه‌ها احکام و آرای دادگاه‌های کل کشور، ایالتی و ولایتی فقط در صورتی به اجرا درخواهند آمد که آن احکام و آرا مطابق با قوانین باشند (بشيری، ۱۳۶۷: ۵۰).

از همان دوره اول مجلس شورای ملی، وزیر عدیله به صراحة خود را در برابر خداوند مسئول می‌دانست و نه مجلس. «من هیچ حاضر نیستم و روا نمی‌دارم که به کسی ظلم شود. من مسئول پیش خدا و رسول هستم. مجلس مرا مسئول می‌داند. من خود را مسئول در برابر خدا می‌دانم. به قدر قوه خودم هم نمی‌گذارم که کسی به دیگری ظلم کند» (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۳۴، ص ۱۲۴). پاسخگویی وزیر در مقابل خدا و نه مجلس، نکته‌ای بسیار مهم است که نشان می‌دهد شرع در برابر حقوق موضوع همچنان موضع برتر خود را حفظ کرده بود. قانون اعطای اختیارات به کمیسیون عدیله مجلس و اجازه اجرای قوانین عدیله به طور موقت در مجلس دوره چهارم مطرح شده بود (همان، ۳۶۵). روزنامه قانون در این باره نوشت: «آفتاب عدالت در یک ملک طلوع نمی‌کند مگر وقتی که اهل آن ملک به حفظ حقوق آدمیت، خود را مستحق عدالت ساخته باشند» (روزنامه قانون، [بی‌تا]: نمره سی‌ام، ص ۳۳).

با شروع فعالیت‌های مجلس دوم، میرزا حسین‌خان مشیرالدوله قوانین عدیله را تنظیم کرد. این قوانین از جانب دو مجتهد تراز اول حاج میرزا یحیی خوبی و سید حسن مدرس تأیید شد (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۴۲). در حالی که آن زمان هیچ ماده قانونی و نظام حقوقی مدونی در کشور وجود نداشت. این تلاش‌ها به «قانون اصول تشکیلات عدیله و محاضر شرعیه و حکام صلحیه» منجر شد که در ۲۸ شوال ۱۳۲۸ در دستور کار مجلس دوم قرار گرفت و در ۲۱ ربیع‌الثانی تصویب شد. در این قانون به ظاهر شرع و عرف از هم تفکیک شده بودند؛ حال آنکه تعمق در مفاد و مواد این قانون نشان می‌دهد که چنین تفکیکی عملأ وجود خارجی نداشته است. برای مثال، در محاکم صلحیه که از فروع محاکم عدیله بوده، «امین صلح» و «حاکم

صلاح» یک فقیه بوده که به مرافعات رسیدگی می‌کرد (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰ ق: ص ۱۸۵).

نشریه چهره‌نما درباره تشکیلات عدیله نوشته است: «در باب تأسیس وزارت عدیله مقرر شده بود که چند نفر از وزرای کاراگاه قانون‌نامه این عدالتخانه عامه را به طوری که جامع شرایط و حاوی دقایق ملوکانه یعنی بر وفق اساس شرع مطاع باشد نوشته و مرتب داشته، به عرض آستان معدلت بنیان همایونی برساند. اینک قانون‌نامه مزبور با ابواب و فصول صحیحه و قواعد و اصول متفقه مسطور و مرتب و بشرف لحاظ نظر انوار خسروانی موشح گردید. محض آگاهی عموم اهالی مملکت که منتظر آن هستند، در ذیل روزنامه مندرج می‌شود. از آنجایی که به حکم عقل و میزان شرع و نقل مبرهن و مسلم است که بنای مملکت و جهانداری به قوائم و قواعد عدل و انصاف برپاست بحمدالله برحسب اداره خاصه و اقتضای نیت خسروانی بنیاد دادگری و اساس عدالتی در دایره دولت و حوزه وسیع سلطنت ایران برپا گردیده است» (روزنامه چهره‌نما، ۱۳۲۴ ق: س ۲، ش ۲۴، ص ۴).

تشکیل عدیله در بندر بوشهر در دوره مشروطه

تا قبل از مشروطه، در بندر بوشهر عدیله وجود نداشت و معمولاً امور مدنی به دست علماء و روحانیون و جرایم جنایی، عادی و تجاري توسط حکام رسیدگی می‌شد. اگر اختلاف مهمی بود، سعی می‌شد از طریق نامه‌نگاری با فقهاء و حتی مراجع تقليید فرد حق تعیین شود. حکمران بنادر و نظمه نیز به اختلافات میان افراد و کارگران رسیدگی می‌کرد.

بی عدالتی یکی از موضوعات مهمی بود که در دوره مشروطه در بنادر جنوبی، به ویژه بندر بوشهر از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. درباره علل ایجاد بی عدالتی و راههای از بین بردن آن، در نشریه هفتگی حبل المتنین آمده است: «در بنادر جنوبی سراغ نداریم از محصول اراضی در هیچ نقطه‌ای کسی بیشتر از ده یک به دولت بدهد، ولی چون قانون مساوات در بین نیست و دو نفر که همسایه یکدیگر هستند یکی ده یک می‌دهد و دیگری ده نیم یا ده ربع. ناله و فریاد رعایا به فلک می‌رسد. برخلاف آن در دول خارجه مثل بعضی جاهای هندستان رعایا صد هفتاد و هفتاد و

پنج که سه ربع تمام محصولات زراعتی باشد در مقابل حقوق دیوانی پرداخته، هیچ کس هیچ گفتگویی ندارد و احدي شاکی نیست. این امر تا وقتی که رفع افراط و تفریط در اصول اخذ مالیات نشود، ممکن نیست صورت بیند و رفع افراط و تفریط بدون پیمایش اراضی و ترتیب نقشجات صحیح دشوار بلکه محل است» (روزنامه حبل المتنی، ۱۳۲۹ق: ش ۶، ص ۲). در این گزارش بی عدالتی و ظلم به عنوان یکی از معضلات جامعه معروفی شده است. از همین رو، توجه و علاقه به اهمیت قانون و عدل در متمم قانون اساسی مشروطه متجلی شد (بشیری، ۱۳۶۲: ۱۰۵-۱۰۶).

«چون هنوز در بندر بوشهر عدالیه رسمی تشکیل نشده و ممکن نبود دعاوی مردم را به عهده تعویق گذارد لذا نایب‌الحکومه شعبهٔ موقتی تشکیل داده به تصویب و تصدیق علما و تجار به عرایض مردم رسیدگی می‌نمایند» (روزنامهٔ مظفری، ۱۳۲۸ق: ش ۳، ص ۱۲). آنها نیز به امور قضایی رسیدگی می‌کردند، اما در پرونده‌های منجر به قصاص و اعدام، پرونده به مقام بالادست یعنی حکمران بنادر ارجاع می‌شده است. «اگرچه مرافعات بوشهر را چندان اهمیتی نیست که قابل درج اخبار باشد، مگر چون که تازگی دارد صورت محاکمات این ایام را مندرج می‌داریم و امیدواریم این ترتیب برقرار بماند و هم سرمشق مأمورین و حکام جاهای دیگر شود» (روزنامهٔ مظفری، ۱۳۲۸ق: ش ۳، ص ۱۳).

با بروز انقلاب مشروطه، از طرف حکومت مرکزی دستورهایی به حاکم بوشهر مبنی بر تشکیل دیوان عدالت و عدالیه صادر شد. این دیوان نیز مانند تشکیل انجمن بلدیه خود گردان بوده و حق داوری قاضی با پیش‌پرداخت یک‌دهم مبلغ مورد ادعا معین می‌شد. حاکم و یا دریابیگی نیز بر این دیوان عدالت یا عدالیه نظارت داشتند (کاکس، ۱۳۸۶: ۱۰۲). از جمله حکمرانانی که اصلاحات بسیاری در امور دادرسی بندر بوشهر انجام داد، موقر الدوله بود. وی نه تنها موفق به انتظامات داخلی شد، بلکه خود مراقب صحت جریان دادرسی‌ها بود. قاعدةٔ خلع سلاح صحراییان را جاری ساخت و قلعهٔ کوچکی در یک فرسخی بوشهر بنا کرد و مقرر داشت اهالی صحراء همین که به شهر می‌آیند، اسلحه خود را در آنجا تسلیم کنند و چون مراجعت کنند، پس گیرند (سعادت کازرونی، ۱۳۹۰: ۱۹۱). سردبیر نشریهٔ هفتگی یادگار جنوب اقدامات موقر الدوله در ایجاد امنیت و اصلاح عدالیه را مورد تحسین

و تمجید قرار داده و امیدوار بود دیگر بنادر جنوبی کشور نیز از این امنیت برخوردار شوند (یادگار جنوب، ۱۳۲۹ق: س، ۱، ش ۳۲، ص ۶). لوریمر درباره وظایف روزمره موقرالدوله و چگونگی رسیدگی به جرایم در این دوره نوشت: «حکمران بنادر تمامی روزها به استثنای روز جمعه از آغاز صبح تا اواسط بعد از ظهر را در عمارت چهاربرج به کار اشتغال دارد. در اینجا هنوز مطابق رسوم ایرانی و بر طبق دستور او کارمندان به چوب و فلک کردن مشغول هستند. مسائل مدنی معمولاً در دست محاکم شرعی قرار دارد که علی القاعده براساس قرآن است. برای جرایم و دیگر اموری از این قبیل در حضور حاکم احکامی صادر می‌شود آن هم برطبق میل خودش و هیچ گونه رجوع به قانون و محکمه‌ها وجود ندارد» (لوریمر، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۰).

علاوه بر حکمرانان، عالمان دینی مختلفی در بوشهر حضور داشتند که به امور مربوط به دادرسی‌ها رسیدگی می‌کردند. منصب حاکم شرع با لقب «علم الهدی» در دست سادات بوشهر بود (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۱۹). همچنین کمتر کسی در مورد این مسئله که روحانیون به منصب قضا احق و اولی از دیگران بودند، تردید داشت؛ زیرا تنها نظام مدون قصایی همان بود که در درون شریعت قرار داشت و متخصصان شریعت هم فقهای بودند (آبادیان، ۱۳۸۹: ۱۶). در اسناد آرشیوی موارد بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه اجرای حکم شرعی و حل و فصل در گیری‌ها از طریق امام جمعه منطقه صورت می‌گرفت. از جمله اینکه در قتل عبدالنبی کازرونی (خرابی فروش بوشهری) تقاضای قصاص وارث، حکم شرعی امام جمعه و نامه وزارت عدیله موجب اجرای حکم قاتل شد (ساکما، ۳۵۵۰۰۶۳۰). در مناطق کم جمعیت و روستاهای به جای محکمة شرع، یک یا چند ملای محلی از روی احکام قرآن دادرسی می‌کردند. در مورد محاکم بالاتر رأی قاضی با استناد به قرآن و احادیث به صورت کتبی صادر می‌شد (کرزن، ۱۳۴۷: ۵۸۸). از جمله روحانیونی که در امور دادرسی بوشهر نقش مؤثری داشت، سید حسین فرزند سید مرتضی اهرمی بود. به گزارش کاکس، در سال ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م. سید حسین تهران را به مقصد بوشهر ترک کرد تا در انجام وظایفش به عنوان حاکم شرع هرگونه کمک و همکاری لازم را با محاکم عدیله مبدول دارد (کاکس، همان، ۱۲۹). از طرفی معین التجار هم در سازماندهی و

هم در کاربرد اصطلاح عدالتخانه در بین مردم تأثیر زیادی داشت. او قوانین جداگانه‌ای برای دعاوی ترتیب داد که این تشکیلات جدید با مخالفت علماء و بزرگان مواجه شد. آنها اعتقاد داشتند در برخوردهای قضایی می‌بایست اصول اسلامی و قرآنی مورد توجه قرار گیرد (ونسا، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

در بندر بوشهر بیشتر اختلافات عمومی میان مردم از طریق مراجعه به علماء ریش‌سفیدان حل و فصل می‌شد و اگر بحث مهمی بود سعی می‌شد از طریق نامه‌نگاری با فقهاء و حتی مراجع تقليد، فرد محق تعیین شود. حکمران بنادر و نظمه‌ی نیز به اختلافات میان افراد و کارگزاران رسیدگی می‌کرد. درواقع، حکام محلی در شکایات رسمی تر دخالت می‌کردند. «دعاوی جزئی که سابقاً غلام شیوخ با گرفتن ۵ بیست روپیه فصل می‌نمودند اکنون توسط اداره نظمه‌ی با کمال شرافت انجام داده می‌شود و دعاوی حقوقی را به محکمه عرفیه رجوع می‌نماید» (حبل المتین، ۱۳۴۲: ۱۱۵، ش ۱، ص ۲۲).

در برخی از بنادر جنوبی که نظامیان در رأس اداره محلی قرار داشتند، وضعیت قضایی پیچیده‌تر بود. نه تنها دو طرف دعوی می‌کردند بر حکم محکمه تأثیر بگذارند، بلکه حتی مجتهد بر جسته محلی نیز براساس رسم معمول عقیده خود را در مورد هر دعوی به طور غیرمستقیم به رئیس عدیله گزارش می‌داد. به دلیل استفاده نظامیان از تسهیلاتی که عدیله در اختیار آنها قرار داده بود، حکمران بنادر مجبور به تعطیلی عدیله شد (فلور، همان، ۶۳). با وجود اینکه محاکم عدیله در بندر بوشهر تشکیل شده بود، اما در عمل کارایی چندانی نداشت. این ناکارآمدی عوامل متعددی داشت.

علل ناکارآمدی عدیله در بندر بوشهر

یکی از علل ناکارآمدی عدیله در بندر بوشهر، نظام اجتماعی و سیاسی بود که عدیله به ناچار می‌بایست در چارچوب آن کار کند. این نظام نه تنها مانع از احراز صلاحیت و کار صحیح و مؤثر محاکم عدیله می‌شد، بلکه آن را به چنگال غارتگران عدالت می‌انداخت. اداره عدیله که مسؤول نظارت بر عملکرد صحیح محاکم عدیله بود، با وجود سبک و سیاق جدیدش، به همان طرق اسلاف پیش از مشروطه خود عمل می‌کرد؛ یعنی تیول شخصی دست‌اندرکاران آن بود (فلور، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

(۵۶). نظام تشکیلاتی مناسب و قوانین موضوعه از ارکان مهم در امور دادرسی و رسیدگی به حل مشکلات قضایی مردم بود، ولی در زمان مشروطه، عدیله از این امکانات محروم بود. در این سال‌ها نظام قضایی از یک سو در پی ایجاد یک چارچوب تشکیلاتی و از سوی دیگر، به دلیل نبود قوانین مدون، در پی تنظیم مقررات و دستورالعمل‌های ضروری بود. عدیله همچنین تلاش می‌کرد قواعد و قوانینی را که تا آن زمان به صورت موردي به محاکم ابلاغ می‌کرد، به صورت مدون جمع‌آوری کند تا از اعمال سلیقه محاکم در صدور حکم جلوگیری کند. فقر قوانین و نبود منابع قابل دسترس برای کارمندان محاکم و همچنین عدم توسعه تعداد محاکم موجب شد به مرور زمان کیفیت کارمندان عدیله در ایالات جنوبی کاهش یابد. بنابراین جای شگفتی نیست که مردم برای احقيق حق به محاکم و نظام‌های دیگر مراجعه می‌کردند. عدیله از این امکانات محروم بود (افتبا، ۱۳۳۰: ش۶۵، صص ۱، ۲). اگرچه تا سال ۱۳۰۲ ش. قوانین متعددی از جمله قوانین مربوط به ثبت اسناد و املاک تکمیل شد و وزارت عدیله لزوم اجرای آن توسط فرمانروایان و مأموران در بندر بوشهر را خواستار شد (ساکما، ۳۵۵۰۰۳۴۱)، اما تا قبل از تأسیس عدیله، تنظیم اسناد مربوط به املاک در دست حکام شرع یعنی علمای دینی بود. علمای غالباً معاملات ملکی را شخصاً مرقوم و ممهور می‌کردند و به طرف معامله یا دو طرف تحويل می‌دادند و کار پایان یافته تلقی می‌شد. آنها که محتاط‌تر بودند، خلاصه معامله را در دفتری برای خود یاداشت می‌کردند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷: ۱۶۸/۲). ثبت اسناد و املاک برای دو منظور تشکیل می‌شد؛ نخست آنکه مالکیت مالکان به صورت رسمی تعیین و محفوظ شود. دوم برای اینکه به صورت رسمی دارای اعتبار شود (همان، ۱۷۱).

فقدان بودجه کافی برای تأمین مالی و تهیه امکانات عدیله، یکی دیگر از عوامل عمدۀ بر سر راه ترقی و توسعه عدیله بود. این معضل از ضعف کلی کسری بودجه دولتی ناشی می‌شد که تقریباً همواره دولت در دوره مشروطیت با آن دست به گریبان بود. مخارج عدیله همواره زیادتر از عایدات آن بوده است (جمالزاده، ۱۳۳۵: ۱۵۶). بودجه عدیله برای پرداخت حقوق به همه کارکنان کافی نبود؛ برای جبران این کمبود و حقوق ناچیز کارکنان، وزارت عدیله تمبهای مالی به محاکم

مختلف می‌فرستادند تا از فروش آنها بتوانند حقوق کارمندان خود را پردازنند. علاوه بر فروش تمبرهای مالی، به دستور حکمران بنادر در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م. مقرر شد هر کس که می‌خواهد در دادگاه شکایتی مطرح کند، نخست باید ده درصد مبلغ مورد ادعا را به عنوان حق الزرحمه پرداخت کند (کاکس، همان، ۲۷۰). با وجود کمبود منابع مالی، مأموران حق نداشتند وجوه غیرقانونی از مردم دریافت کنند. نامه‌های ارسالی از پایتخت مبنی بر اینکه ادارات عدیله به عایدات خود در ولایات اکتفا کنند و وجوه غیرقانونی از مردم دریافت نکنند، دلالت بر این امر دارد (ساکما، ۲۹۸۰۰۳۱۳). به هر حال، برای پرداخت حقوق به منظور جلوگیری از دریافت وجوه غیرقانونی، مأموران عدیله موظف بودند قبض دریافت وجه را که به عنوان هزینه رسیدگی به دعاوی، از مردم دریافت می‌کردند، صادر کنند (ساکما، ۲۹۶۰۱۲۳۶۶). پرداخت مالیات از سوی وکلای عدیله، از دیگر مشکلات مالی این اداره بود. وکلا مجبور به پرداخت مالیات بودند؛ چنان‌که وکیل درجه اول سالیانه شصت تومان، وکیل درجه دوم سالیانه ۲۴ تومان و وکیل درجه سوم سالیانه سه تومان مالیات پرداخت می‌کرد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۴۶۱). در حالی که طبق اسناد موجود، در سال ۱۳۰۲ش. بودجه وزارت عدیله در مجموع دههزار تومان بوده است (ساکما، ۲۴۰۰۳۰۲۰۱).

عدم اخلاص مکان مناسب برای عدیله، از دیگر مشکلات این اداره بود. در سال‌های اولیه مشروطیت مکان مناسبی برای مأموران عدیله در نظر گرفته نشده بود؛ به‌طوری که آنها چند اتاق را تعمیر کرده و حتی مخارج ساخت و تجهیز آن را خودشان پرداخت کرده بودند (فلور و بنانی)، ۱۳۸۸: ۵۶). علاوه بر آن، برای مجرمان نیز مکانی وجود نداشت. از همین رو، نامه‌های متعددی از طرف مأموران عدیله به منظور واگذاری عمارتی به این اداره برای نگهداری از محبوسان، به پایتخت ارسال می‌شد که غالباً بدون پاسخ بودند (ساکما، ۲۹۸۰۰۲۵۷). وضعیت ساختمان‌های دولتی در بندر بوشهر به نوعی می‌تواند بیانگر اهمیت و جایگاه این منطقه نزد دولتمردان قاجار باشد. حتی بعد از استقرار مشروطه نیز با اینکه برخی از ادارات جدید مانند عدیله در این بندر ایجاد شد، اما از آنجا که به قول سعادت کازرونی، همه اینها «اسم بلا رسم» و «از حلیه حقیقت و صحت عاری» بودند

(سعادت کازرونی، ۱۳۶۷: ۲۷)، در مجموع در دوره قاجاریه هیچ اقدام مثبتی درباره ساخت بناهای دولتی در بندر بوشهر کشور انجام نشد. دخالت انجمن‌ها و ادارات دیگر در امر دادرسی، از دیگر مشکلات عدیله بندر بوشهر بود. در این دوره به دلیل ضعف محاکم و ادارات عدیله، اداره امور مربوط به عدیله در چارچوب وظایف انجمن‌ها قرار گرفت و متقابلاً دیوان خانه عدیله و محکمه‌ها زمانی احکام انجمن‌ها را قبول می‌کردند که حکم آنها طبق قانون بوده است. آنها در برخورد با اشرار و هرج و مرج ناشی از انقلاب مشروطیت فعالیت زیادی داشتند. اشرار و سرکشان محلی در ایل و طایفه خود عَلَمْ طغيان بر می‌افراشتند. انجمن‌ها به طور مستقیم با آنها مواجه می‌شدند و به علت فقدان نیروی نظامی تحت امر خود، برای حفظ امنیت و جلوگیری از غارت و کشتار اشرار، با مجلس و وزرا در این مورد مکاتبه و از نبود نیروی نظامی شکایت می‌کردند و خواهان تشکیل قشون تحت نظر آنها بودند، اما به علت ضعف دولت مرکزی در تهران و مشکلات ایجاد شده در مرکز، پاسخی به درخواست آنها داده نمی‌شد و این مشکل همچنان ادامه داشت (کوهستانی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۸۵). دخالت انجمن‌ها تا بدانجا رسید که یکی از اعضای آن به نام «سید اسدالله» پیشنهاد داده بود انجمن برای رسیدگی و حل و فصل دعاوی ساکنان، عدیله کوچکی تشکیل دهد (کاکس، همان، ۲۰۲). در یک رسیدگی قضایی، به دلیل دخالت‌های انجمن مأموران عدیله مجبور به استعفا شدند (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۷۰). علاوه بر انجمن‌ها، محکمه‌ای در نظمیه تشکیل شده بود که به خلافکاری‌های عمومی رسیدگی می‌کرد (روزنامه بی‌طرف، ۱۳۳۱: ش ۲۳، ص ۶).

اعمال نفوذ رؤسای ایلات و عشاير به سادگی امکان اجرای قوانین قضایی را فراهم نمی‌ساخت (دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). شورش‌های مکرر در ایالات جنوبی، تهاجمات گسترده افراد ایلی و عشیره‌ای به شهرها، راهزنی در جاده‌ها و خطوط مواصلاتی، حمل و نقل و قاچاق مال التجاره‌های دزدی و ممنوعه (بشیری، ۱۳۶۲: ۲۹/۱) و همچنین در گیری‌های خیابانی امکان حضور سودمند مأموران عدیله را فراهم نمی‌ساخت. گاهی اشرار، عدیله شهرها را غارت می‌کردند و به اجبار عدیله باید دوباره راه اندازی می‌شد (شهیدی، ۱۳۹۸: ۸۰).

سرقت پست دولتی توسط اشرار، از دغدغه‌های مهم تجار بوشهری بود که نگرانی‌های فراوانی برای آنها به وجود می‌آورد؛ به طوری که تقریباً در طول هر ماه یک یا دو دفعه پست یاد شده مورد سرقت قرار می‌گرفت و در نتیجه تجار مجبور می‌شدند برات المتنی بگیرند. بنا به نوشته روزنامه حبل‌المتین، تجار برای حل مشکل سرقت پست دولتی تصمیم گرفتند مرسولات خود را به همراه قاصد به شیراز بفرستند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۴ق: ش ۱۹، ص ۱۵).

به دلیل عدم وجود نظام متصرک امنیتی کارآمد در بندر بوشهر، امنیت آن همواره توسط نیروهای اخلاق‌گر تهدید می‌شد. مهم‌ترین این عناصر ایلات و عشایر ساکن در این بندر بودند که با اقدامات خود اسیاب خرابی و ویرانی بندر و فقر و پریشانی رعیت را فراهم می‌کردند. وقایع نگاران حبل‌المتین طی گزارشی مربوط به سال ۱۳۳۰ق، شدت ناامنی ایجاد شده توسط نیروهای ایلی و عشایر در بندر بوشهر را اسفبار توصیف کردند و معتقد بودند وضعیت هیچ ملک و ملتی در دنیا شیوه به وضعیت ناسامان سرحدات جنوبی نیست و این در شرایطی است که دولت مخدول داخله و منکوب خارجه نمی‌تواند حرکتی در جهت بهبود اوضاع انجام دهد. قبایح اعمال کارگزاران بنادر تعییر به صacuteعه سوزان و سیلابی شده است که در کنار جهل و اغراض طمع کارانه، اسباب ذلت و فلاکت دولت و ملت ایران را فراهم ساخته است. این نشريه رؤسای ایلات و عشایر را مخاطب قرار داده و عاجزانه درخواست کرده بود ترتیبی اتخاذ کنند تا عناد و لجاج و جنگ خانگی و دزدی و راهزنی و آدم‌کشی را که مخل آسایش و امنیت عمومی است، خاتمه دهند، اوامر دولتی را تمکین کنند، در امور مأموران عدیله دخالت نکنند، ثلث مالیاتی را که چندین برابر به زور از اهالی دریافت کرده‌اند، به دولت تحويل دهند و با خودسری و نافرمانی اختلال در امور دولتی را موجب نشووند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۳۰ق: ش ۳۴، ص ۱۸).

محاکم عدیله و اتباع خارجی در بوشهر

از مواردی که نشان دهنده ضعف قوانین قضایی و لزوم اصلاح عدیله در بوشهر بود، مربوط به تظلمات اتباع خارجی بود. طبق ماده ۴۱ متمم قانون اساسی، هتك حرمت

مأموران، هئیت سیاسیون و اتباع خارجی که در کشور سمت نمایندگی داشتند، ممنوع بوده و مرتكب ملتزم بود پنج الی دویست تومان پرداخت کند و از یک هفته الی سه ماه زندانی شود. شکایات نمایندگان خارجی نیز به صورت مستقیم به اداره پلیس یا به واسطه وزارت امور خارجه به محکمه عدیله اظهار می‌شد (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۷۹۷). کسری در این باره نوشته است: «در اینجا اتباع انگلیسی فراوانند. باید یک عدیله قانونی باشد که به کارهای آنها از روی قانون و عدالت رسیدگی و حکم صادر کند. اگر اینگونه باشد هیچکس به عدیله ایراد نخواهد گرفت ولی به محکمه‌های غیرقانونی مسلماً ایراد نخواهد گرفت» (کسری، ۱۳۲۳: ۷۹).

این اتباع چون تحت تکلف دولت بریتانیا بودند، در مواردی که اختلاف بین آنها و رعایای ایرانی پیش می‌آمد، دولتمردان نمی‌توانستند به حق بین دو طرف قضاوت کنند. درواقع، نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان و ضعف و بی‌ثباتی در سیستم اداری بندر بوشهر موجب شده بود رعایای خارجی یک هاله‌ای از حمایت را احساس کنند؛ درحالی که به مظالم ایرانیان رسیدگی نمی‌شد. نیروهای نظامی خارجی به کرات در امور اداری بندر بوشهر دخالت می‌کردند (روزنامه حبل المتنی، ۱۳۳۳ق: ش ۱۳، ص ۲۱). بهانه آنها دفاع و حمایت از حقوق اتباع خود بود (همان، ۱۳۱۵ق: ش ۲۳، ص ۲۲)؛ به طوری که وقتی تبعه انگلیسی به نام فیلیپس در بوشهر دستگیر و بازداشت شد، بلافضله چند روز بعد کنسول انگلیس او را آزاد کرد. اهالی شهر به تلگراف خانه رفتند و شکایتی را در این مورد به تهران ارسال کردند (بشیری، همان، ۱۴۱). نمونه دیگر، طرح دعوى کسبه بوشهر از خیاط هندی تبعه انگلیس در عدیله است که مورد توجه مأموران عدیله قرار نگرفته بود (ساکما، ۲۹۳۰۰۸۳۵۴). اسناد حاکی از آن است که شکایات عدیله از دخالت مستقیم مأموران انگلیسی بی‌تأثیر بوده است (ساکما، ۳۶۰۰۰۲۶۸). به دلیل دخالت‌های مأموران و اتباع انگلیسی، برخی از کارمندان اداره عدیله با مأموران انگلیسی بدرفتاری می‌کردند. چهار برگ سند در سازمان اسناد موجود است که در آن به اختلاف ملکی تبعه انگلیس و اعتراض سفارت آن کشور به سوء رفتار مأموران عدیله اشاره دارد (ساکما، ۳۶۰۰۰۶۶۴۷). اگرچه تمام ساکنان بوشهر به سبب أخذی‌ها و زورگویی‌های رئیس عدیله و مأموران آن گله‌مند بودند (کاکس، همان، ۳۴۷).

روزنامه حبل‌المتین در مقاله‌ای با عنوان «غلبه حقوقی خارجیان بر ایرانیان در بوشهر» نوشته است: «هر نوع زورگویی و مردم‌خوری بر ما آقای رعیت خارجه می‌کنند عیب ندارد و می‌شنویم که حرف مزن رعیت خارجه است. این رعیت خارجه پسرخاله است چه خبر است. هر قسم بیجا رفتار می‌نماید دزدی بطور فاش آقای رعیت خارجه در ملک ما می‌کنند هیچ مانعی از برایش نیست عارض هرگاه بشوی حاکم می‌گوید آقا جان مگر نمی‌دانید که رعیت خارجه است. هر کسی مدعی شود از حکومت معزول می‌شود. چرا این حضرات اینقدر بسی‌حسابی و زورگویی بلکه دزدی فاش کنند کسی نمی‌تواند هیچ بگوید...» (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۸ق: س ۶، ش ۲۱، ص ۶).

در پایان ذکر این نکته لازم است که به سبب تغییر نظام حکومتی و انتظاراتی که مشروطه در میان مردم بندر بوشهر به وجود آورده بود، توقع تحول اساسی برای تحقق عدالت و حل مشکالت حقوقی در مردم به وجود آمده بود، اما در عمل با کاستی‌های زیادی مواجه بود.

نتیجه‌گیری

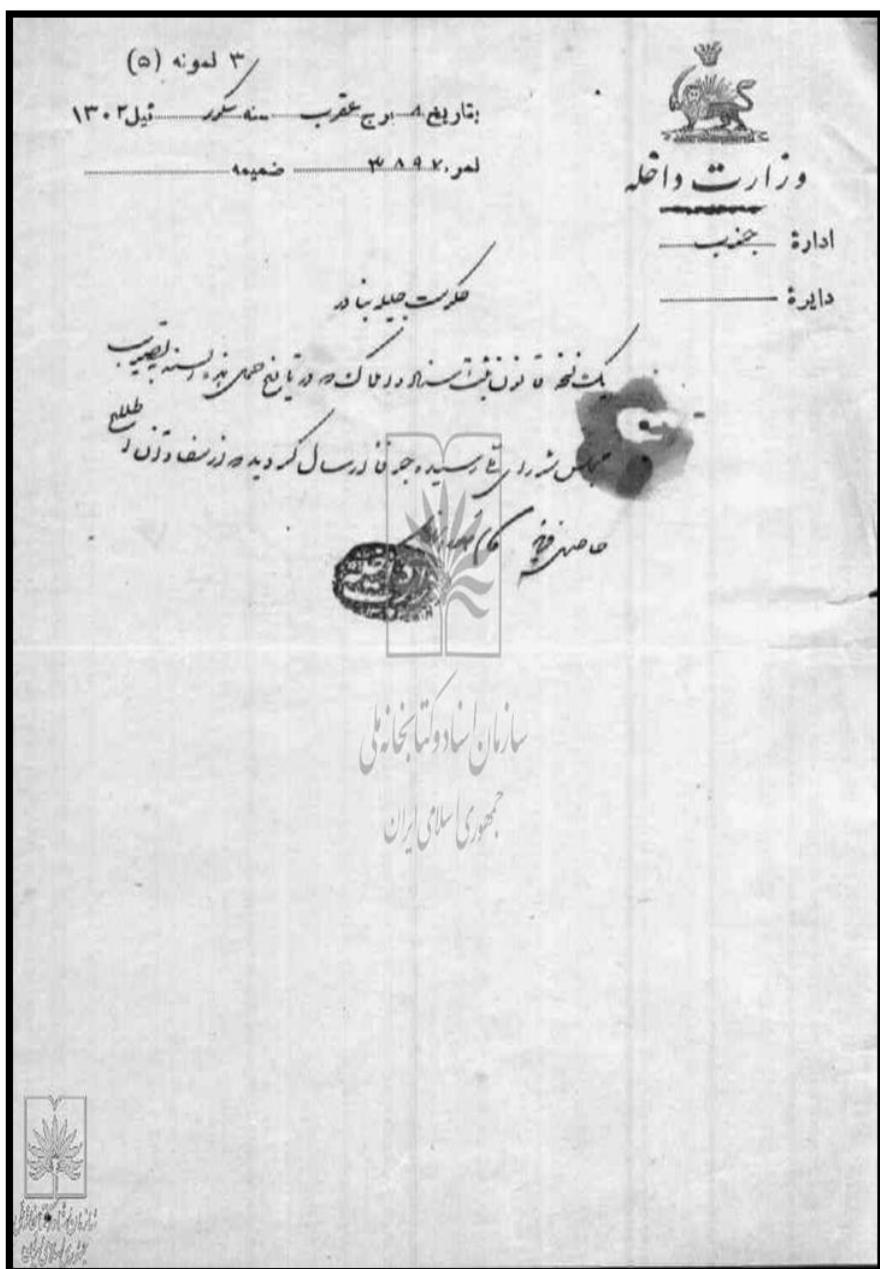
نظام قضایی ایران همواره بر دو گانگی عرف و شرع مبتنی بوده است. این ساختار دو گانه به موازات یکدیگر تداوم یافته‌اند. محاکم شرع از دیرباز موفق بود عمدۀ استقلال عمل دیرینه خود را تا آستانه مشروطیت حفظ کند، اما با استقرار مشروطیت دگرگونی‌های عمیقی در تشکیلات و حدود و اختیارات محاکم شرع روی داد.

محاکم عدیله در بندر بوشهر نیز به تأسی از نظام قضایی کشور، ساختار مدون و مشخصی نداشت و در قالب محاکم شرع و محاکم عرف قرار می‌گرفت. درواقع، افراد حقوقی چون حکمران بنادر و کارگزار در کنار نهادهایی چون عدیله برای رسیدگی به دعاوی و رفع اختلافات و حفظ نظم و امنیت بندر بوشهر عمل می‌کردند و افراد حقیقی نیز چون علماء، ریش‌سفیدان و غیره در قالب دیگری به امور قضایی رسیدگی می‌کردند. همه این تشکیلات به منظور حل مشکلات اجتماعی فعالیت می‌کردند، اما آنچه مشهود است اینکه ساختار قضایی این دوره نتوانست جایگاه

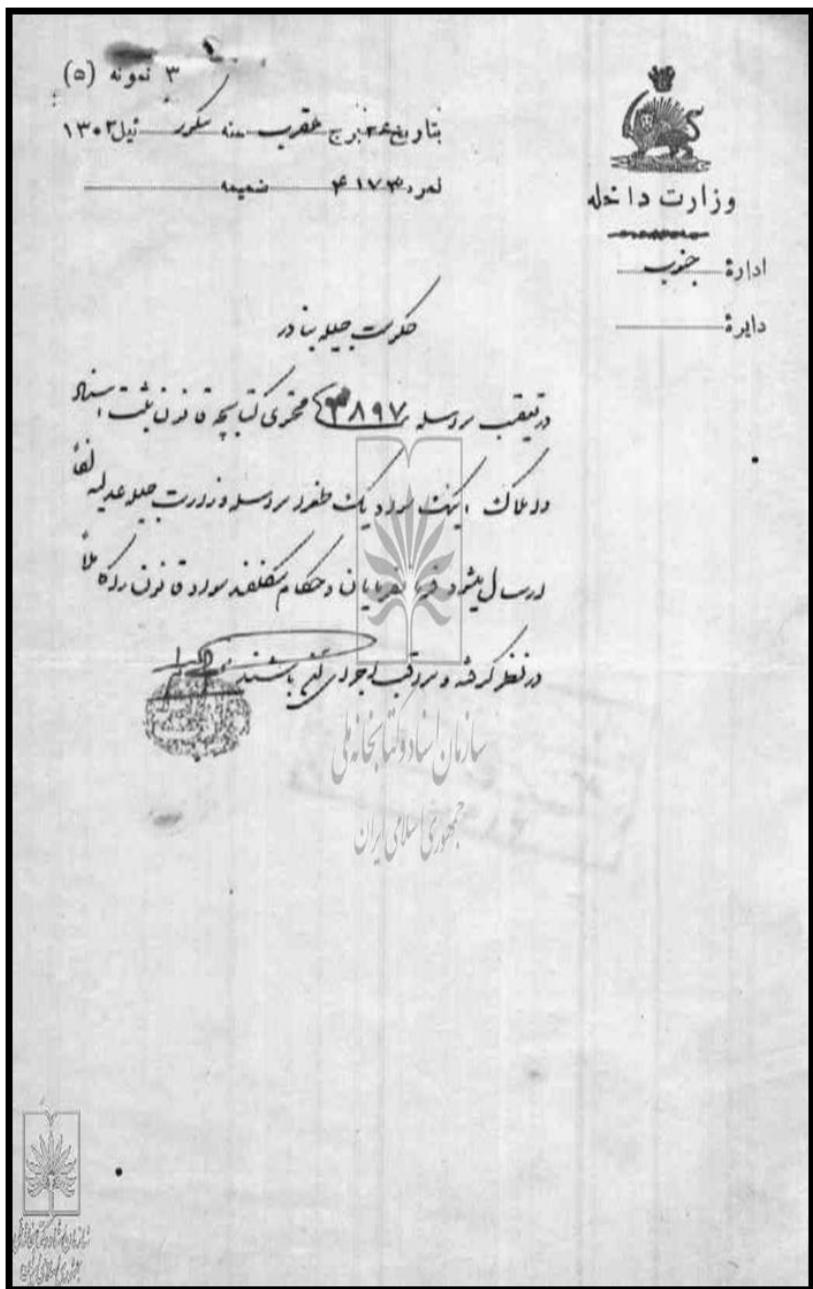
واقعی خود را در جامعه به دست آورد و موجب تثبیت ساختار اداری نظام قضایی در بوشهر شود. حال آن که خواست و توقع مردم بوشهر از دولت مشروطه در حوزهٔ قضایی اجرای قانون، رعایت عدالت و مبارزه با ظلم و استبداد بود. نرسیدن به این انتظارات سبب ناامیدی مردم می‌شد. از طرفی دولت مشروطه نیز با توجه به مشکلات عمیقی که داشت، نمی‌توانست به یکاره انتظارات مردم را برآورده سازد. در واقع، رویدادها و اختلافات سیاسی مرکز حکومت که درگیر مسایل و مشکلات ناشی از انقلاب مشروطه بود، موجب بی‌توجهی و عدم رسیدگی لازم به امور نواحی جنوبی به‌ویژه بندر بوشهر شد.

در بررسی علل و عوامل ناکارآمدی محاکم عدیله در بندر بوشهر، عوامل متعددی تأثیرگذار بود. یکی از آنها نظام اجتماعی و سیاسی بود که عدیله به‌نماچار می‌باشد در آن چارچوب کار کند. وزارت عدیله که مسئول نظارت بر عملکرد صحیح محاکم بود، با وجود روش جدیدش به همان طریق اسلاف پیش از مشروطه عمل می‌کرد؛ یعنی تیول شخصی دست‌اندرکاران آن بود. صرف نظر از موانع سیاسی و اجتماعی، واقعیت آن بود که معیار مشخصی برای گزینش قضاط و دیگر مسئولان وجود نداشت. در ابتدای کار محاکم عدیله، افراد زیادی که نفوذی داشتند، به عنوان قاضی به کار گماشته شدند و محاکم عدیله عموماً با عنوان ظلمیه یا بی‌عدالتی معروف شدند. با وجود شکایاتی که مرتب گروههایی از مردم و تجار به وزارت عدیله می‌نوشتند، هیچ اقدامی صورت نمی‌گرفت. از طرفی اعمال نفوذ رؤسای ایلات و عشایر به سادگی امکان اجرای قوانین قضایی و احکام عدیله را فراهم نمی‌ساخت. از همین رو، به سبب فقدان تشکیلات مؤثر و کارآمد عدیله و نظام قضایی و عدم توجه به حقوق مدنی مردم، این اداره با کاستی‌های بسیاری مواجه بود.

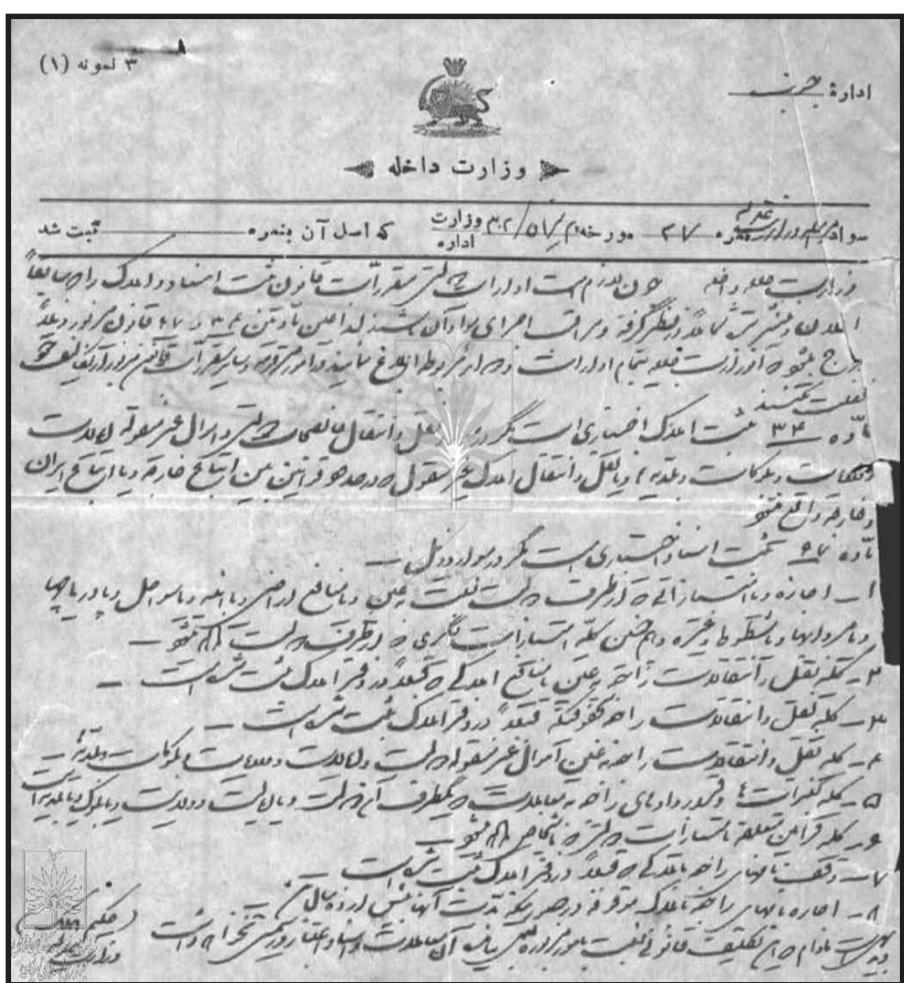
در مجموع، عدیله بندر بوشهر به دلیل ریشه‌دار بودن مشکلات اجتماعی و قضایی نمی‌توانست به یک باره انتظارات مردم را برآورده کند بلکه به زمان بیشتری نیاز داشت تا قادر به رفع معضلات موجود شود. با این حال، عدیله بندر بوشهر با تأثیرپذیری از تحولات قضایی عصر مشروطه تغییرات و اصلاحات مهمی را تجربه کرد که تا پیش از آن سابقه نداشت.

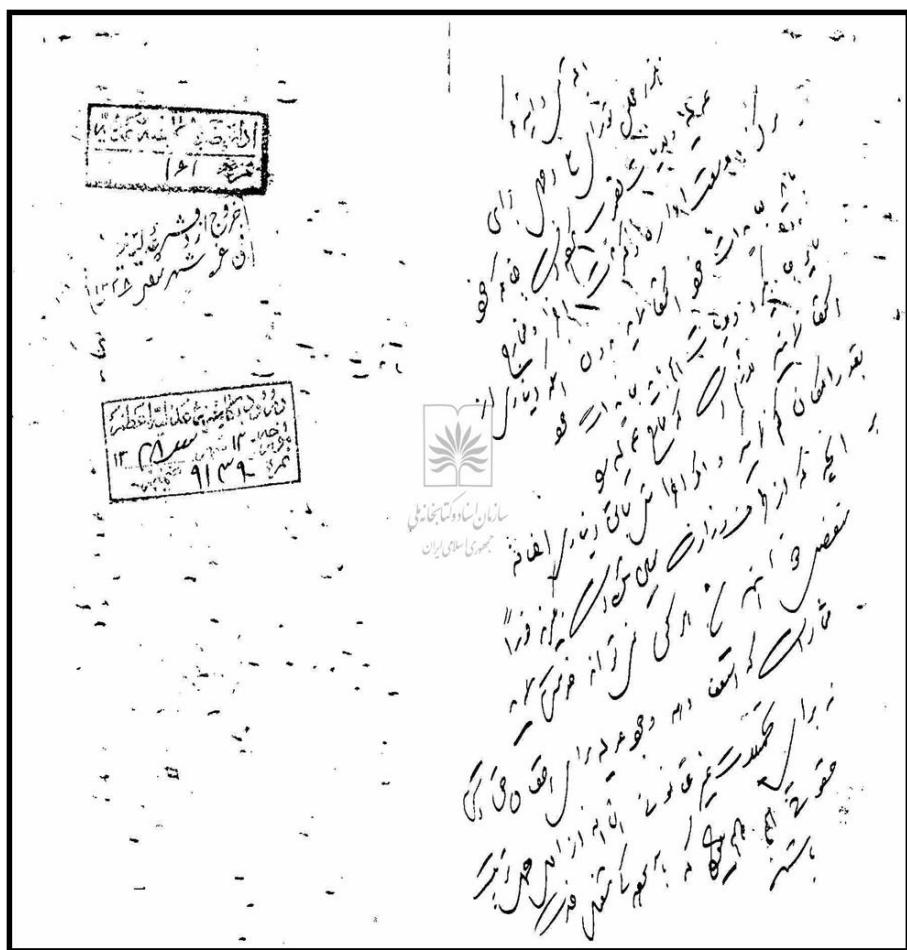


(ضمیمه شماره ۱، ص ۱) قوانین ثبت اسناد و املاک و لزوم اجرای آن توسط حکام بنادر جنوبی

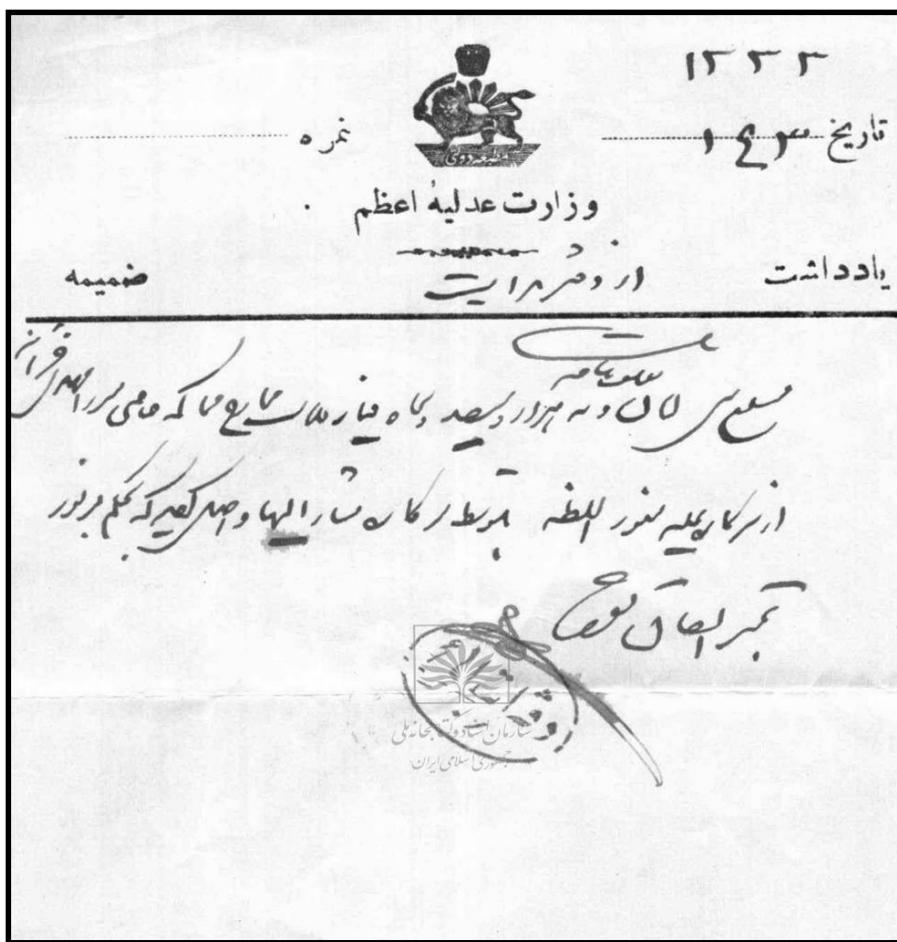


(ضمیمه شماره ۱، ص ۲) قوانین ثبت اسناد و املاک و لزوم اجرای آن توسط حکام بنادر جنوبی





(ضمیمه شماره ۲) دستور اکتفای ادارات عدليه به عايدات خود

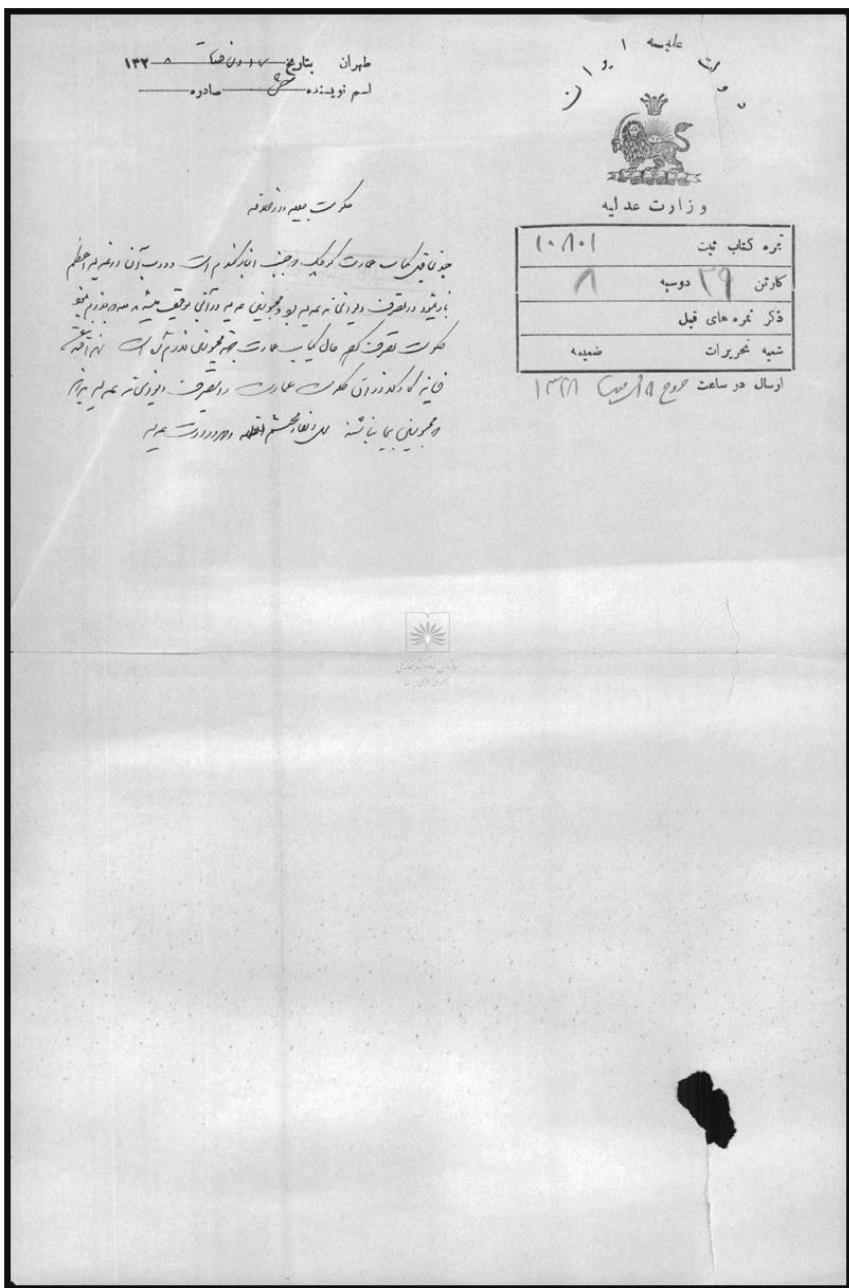


(ضمیمه شماره ۳) قبض دریافت وجه توسط مأموران وزارت عدالیه

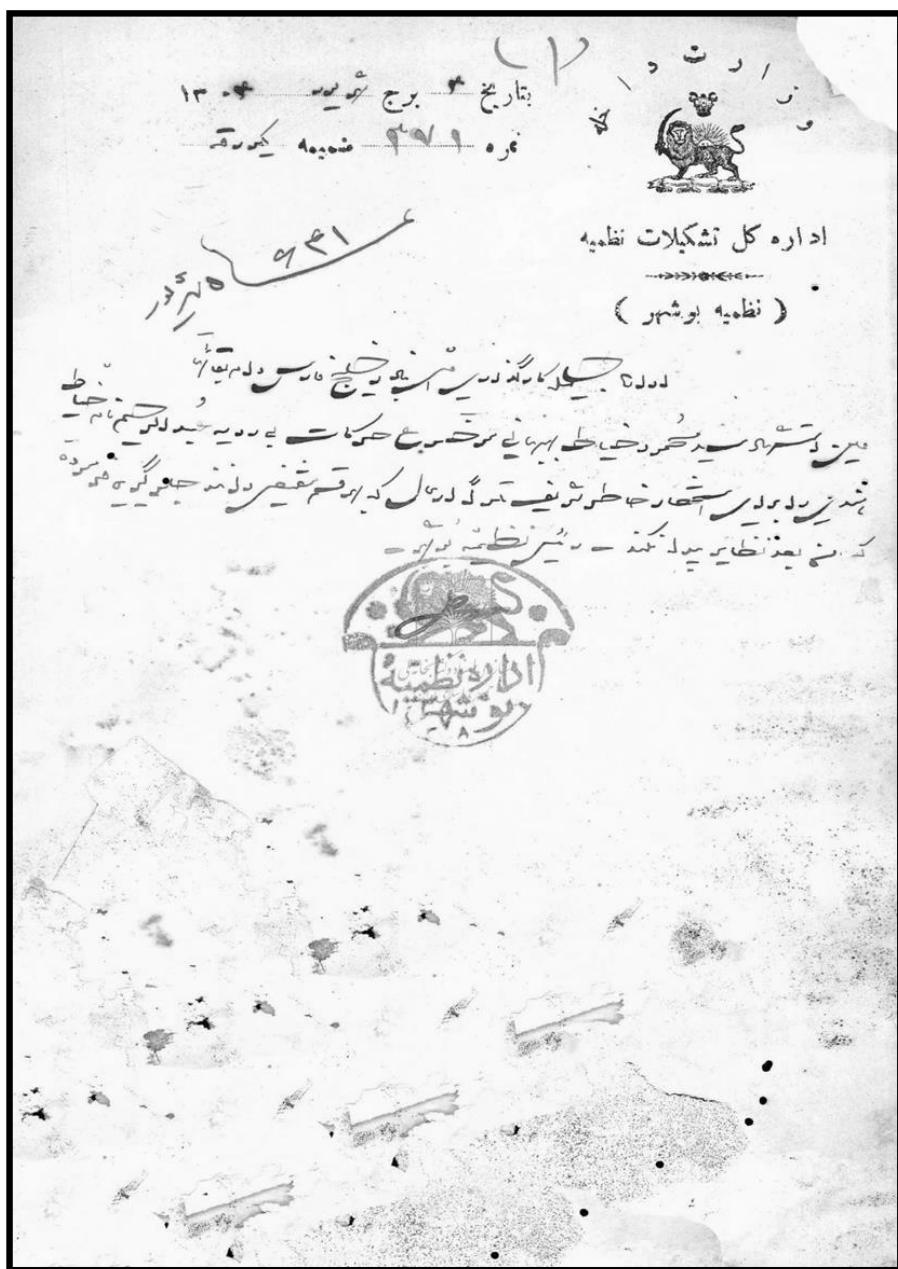
— ۴۲ —

ملاحظات	میزان سالانه		شرح مواد
	نومان	بیان	
	۹۰۰۰	۱	قسمت اول - مرکز
	۴۸۰۰	۱	فصل اول - وزارت خانه
مطابق کثیرات درسال مبلغ دده نومان است	۹۹۹۶	۱	ماده ۱ دایرة وزارتی
	۳۰۰۰	۱	
	۲۶۷۹۶		وزیر
			معاون
			مستشار
			مدیر کل
			جمع ماده
			ماده ۲ اداره کابینه
	۴۴۰۰	۱	رئیس اداره کابینه
	۱۸۲۴	۱	معاون اداره
	۹۰۰	۱	منشی اول
	۱۲۰۰	۲	منشی دوم
	۴۸۰	۱	منشی سوم
	۳۹۰	۱	تیفات
	۷۸۰	۱	ازدیکان نویس کل منشی اول
	۹۶۰	۲	پیاشر مراسلات و اندیکان نویس (منشی سوم)
	۱۲۰۰	۱	مدیر شبیه دفتر را کد
	۱۰۸۰	۳	ضبط
			پرسنل
	۱۸۲۴	۱	مدیر پرسنل (معاون اداره)
	۹۰۰	۱	منشی اول
	۶۶۰	۱	منشی دوم
	۹۰۰	۱	دفتر دار (منشی دوم)
	۴۸۰	۱	منشی سوم (متصدی ضبط پرسنل)
	۴۸۰	۱	ازدیکان نویس (منشی سوم)
	۴۸۰	۱	منشی حاضر و غائب

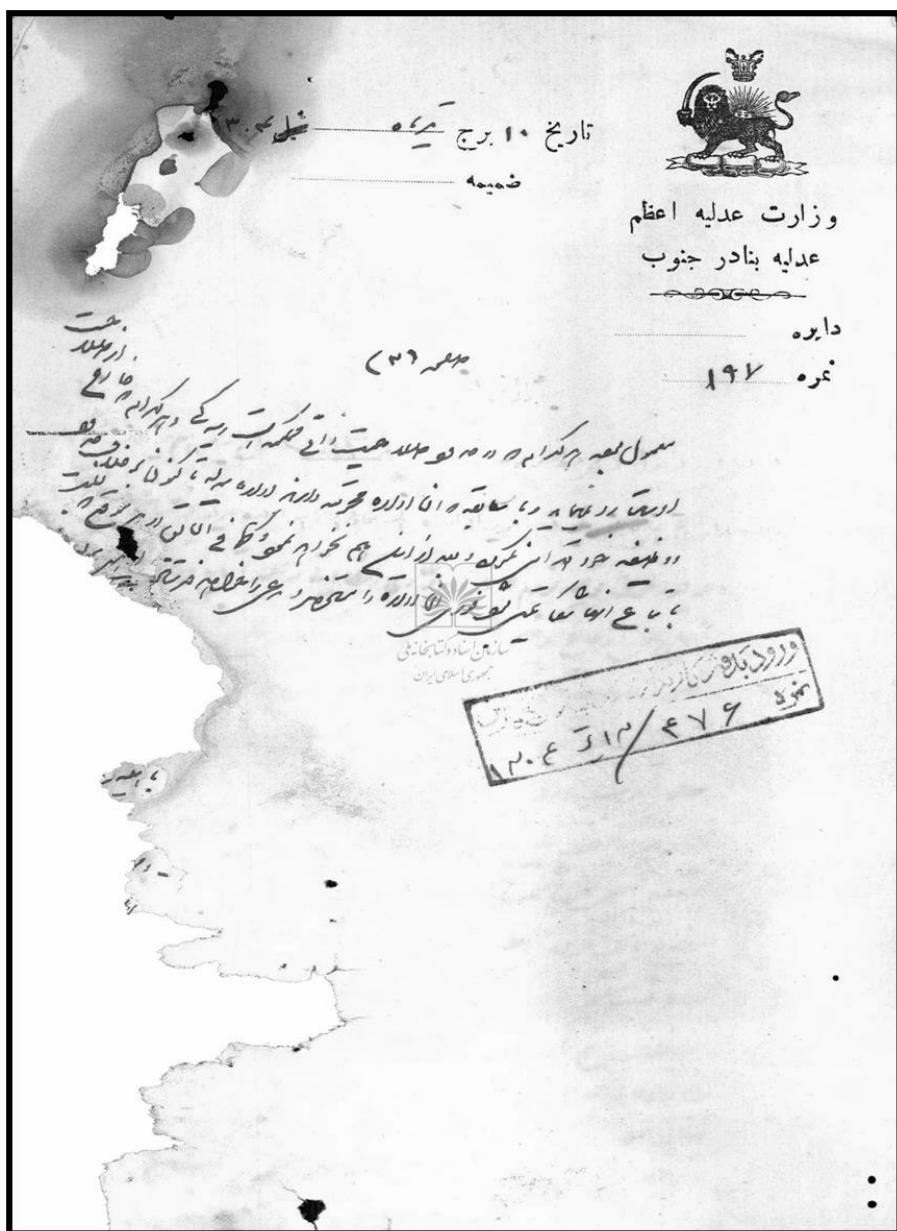
(ضمیمه شماره ۴) بودجه وزارت عدله در سال ۱۳۰۲ ق.



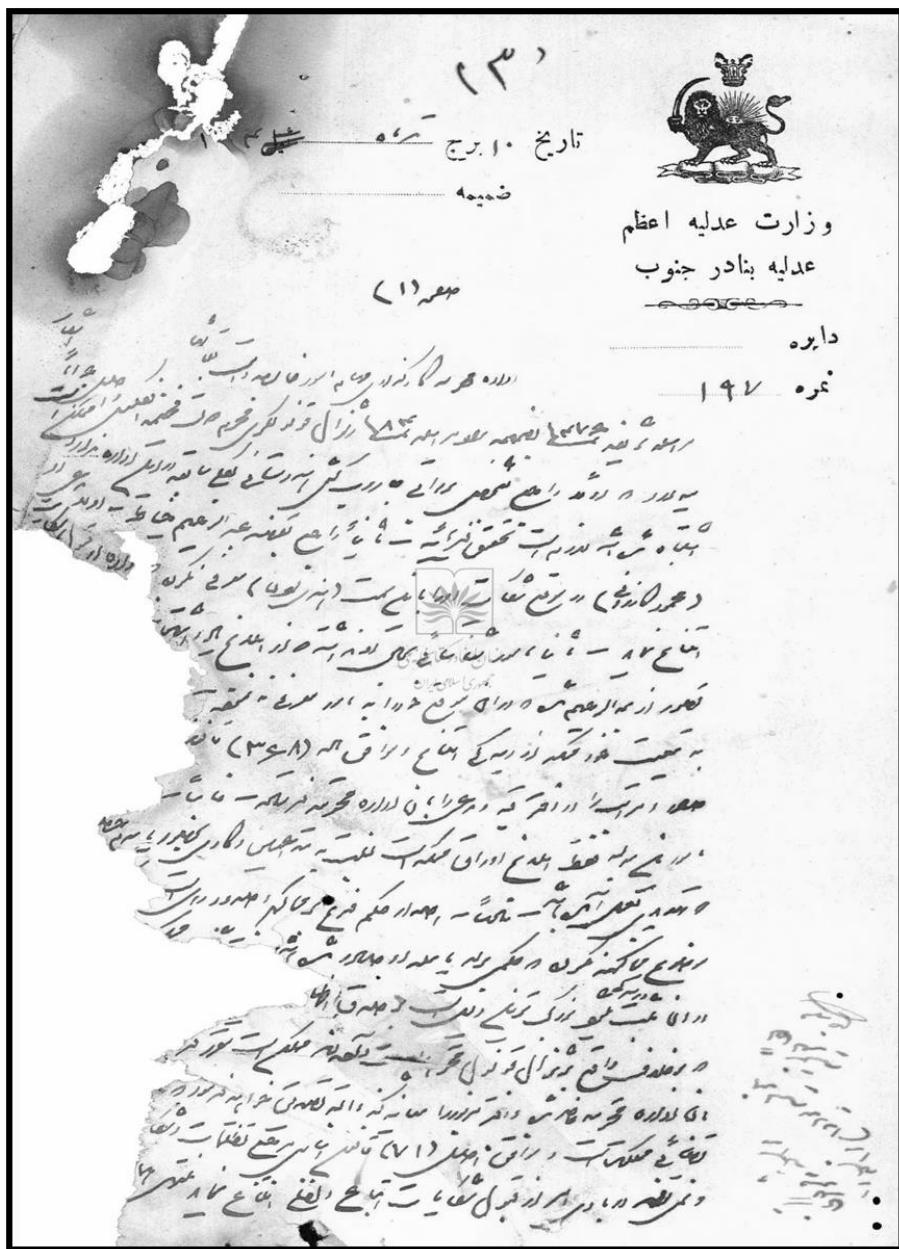
(ضمیمه شماره ۵) واگذاری عمارتی به عدالیه جهت نگهداری محبوسان



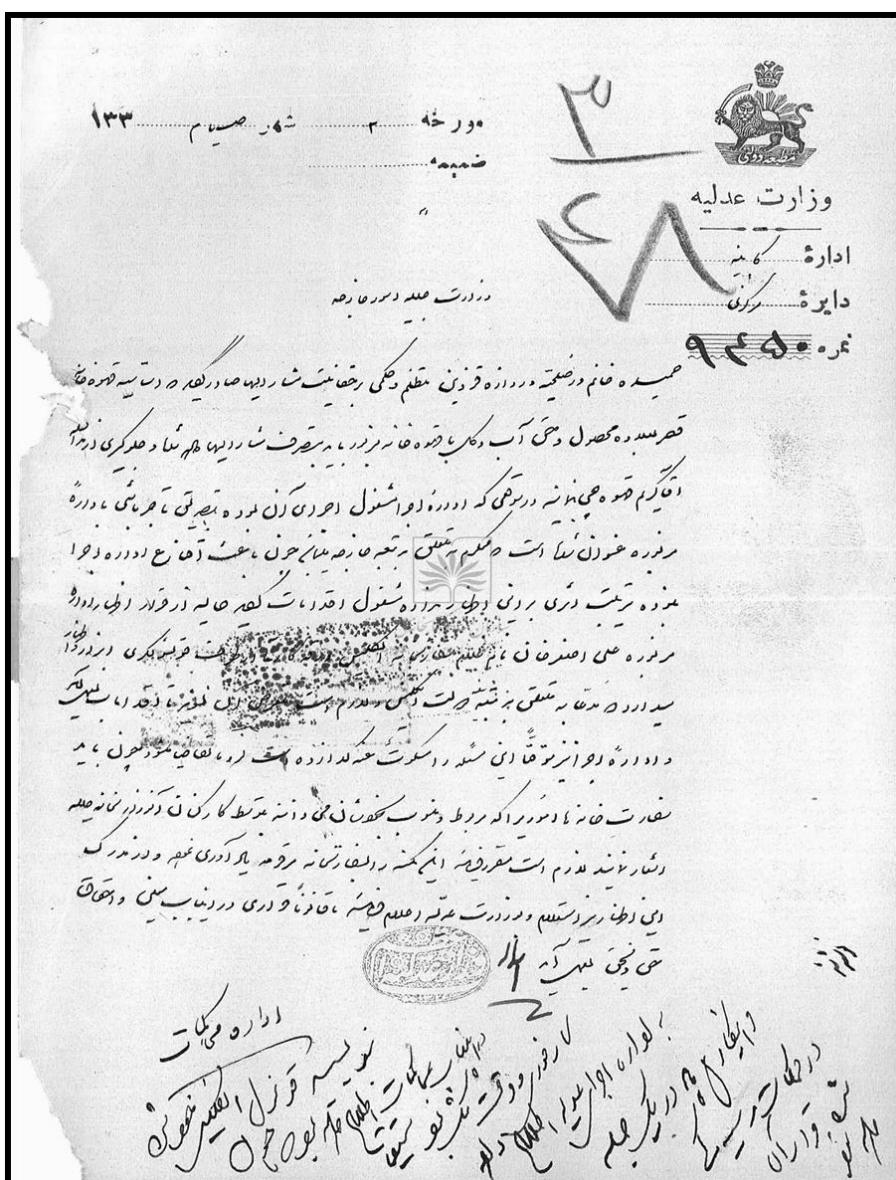
(ضمیمه شماره ۶، ص ۱) طرح دعوی کسبه بوشهر علیه خیاط هندی تبعه انگلیس



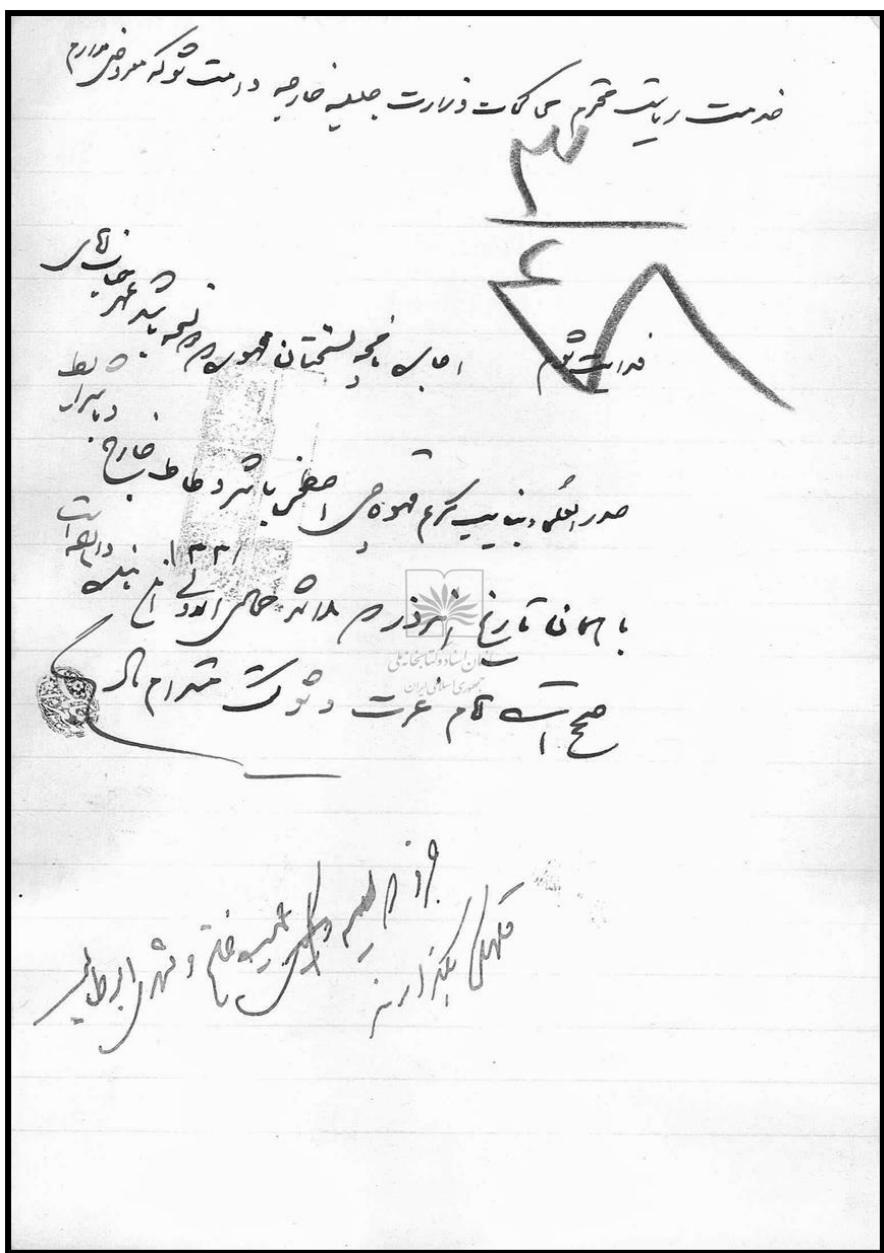
(ضمیمه شماره ۶، ص ۲) طرح دعوا کسبه بوشهر علیه خیاط هندی تبعه انگلیس



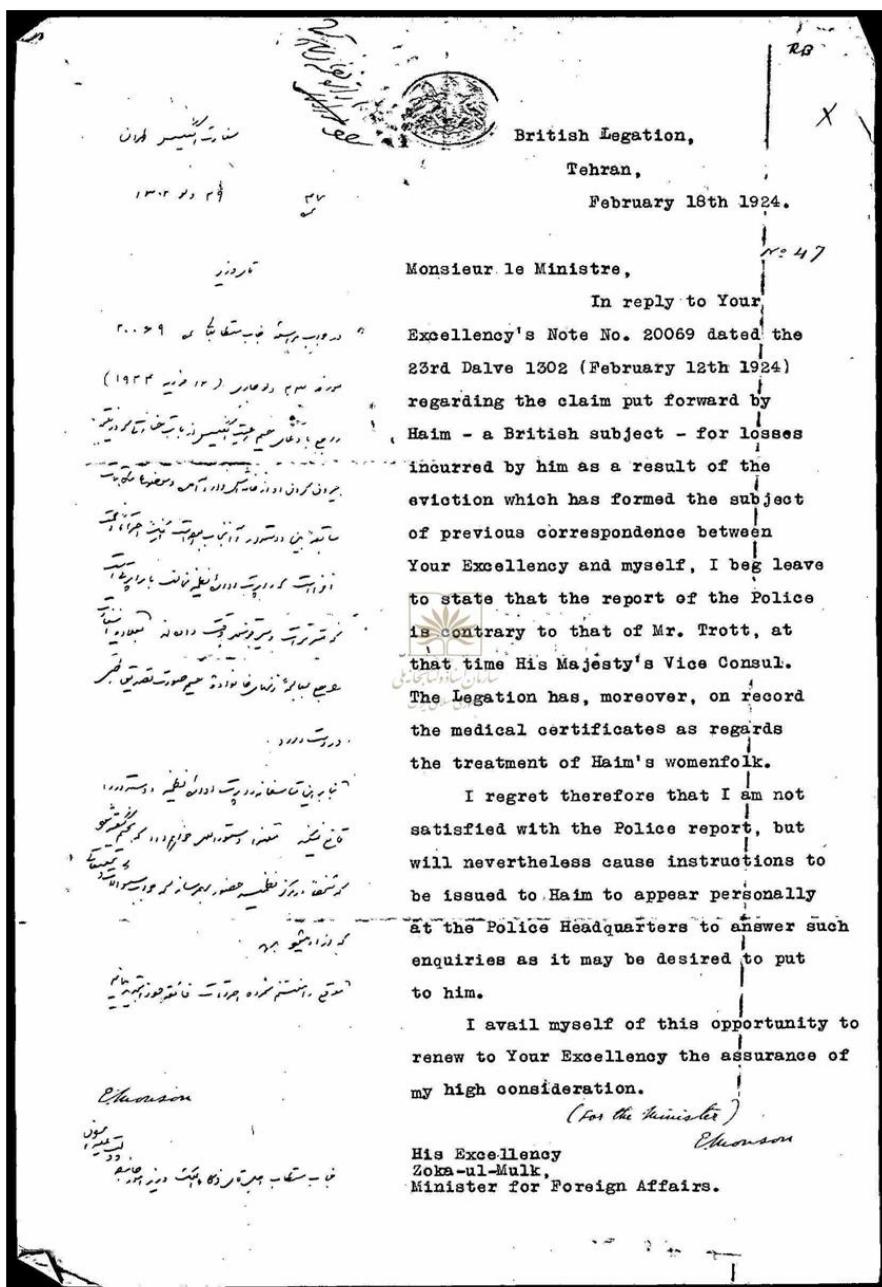
(ضمیمه شماره ۱۵) طرح دعوی کسبه بوشهر علیه خیاط هندی تبعه انگلیس

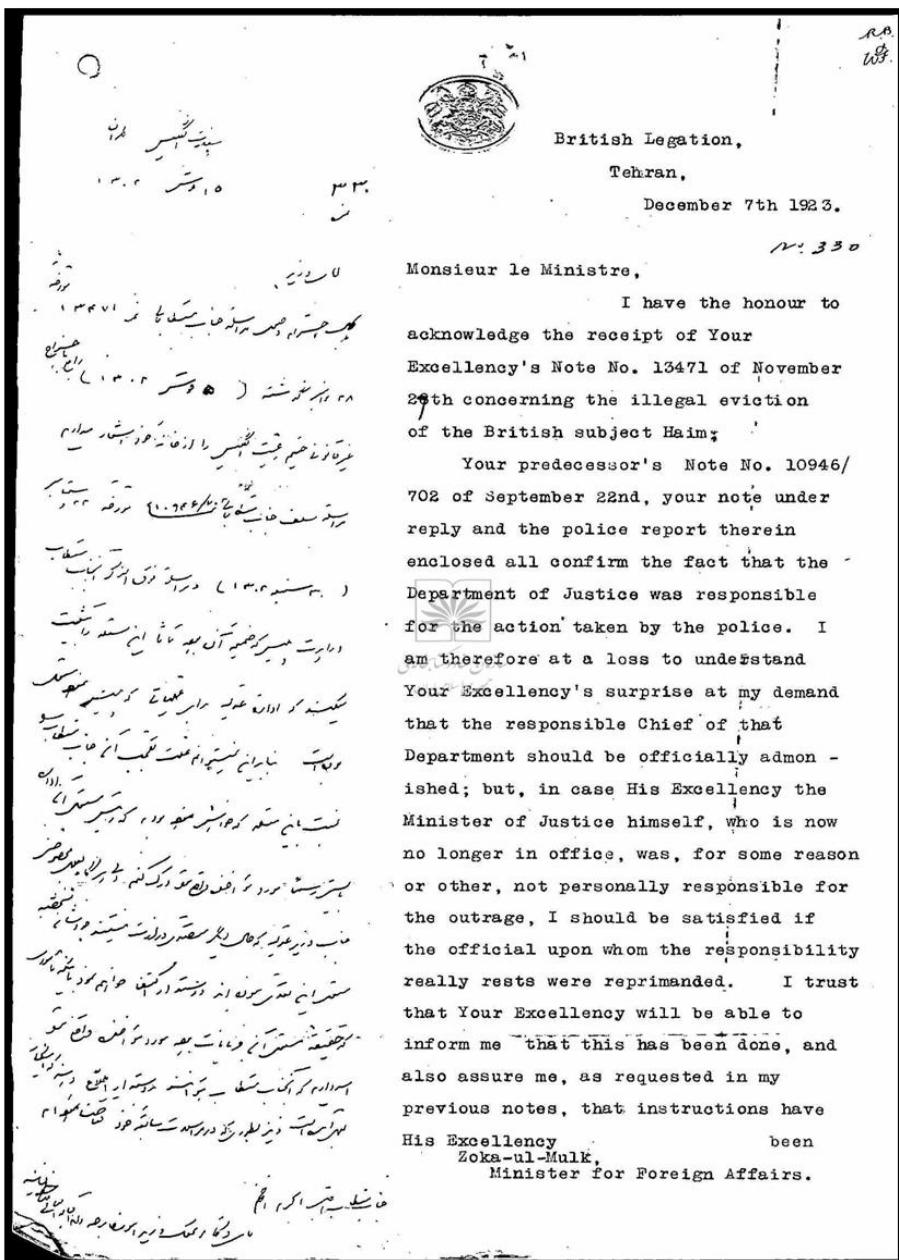


(ضمیمه شماره ۷، ص ۱) شکایت وزارت عدالیه از دخالت مستقیم سفارت انگلیس در جلوگیری از اجرای احکام

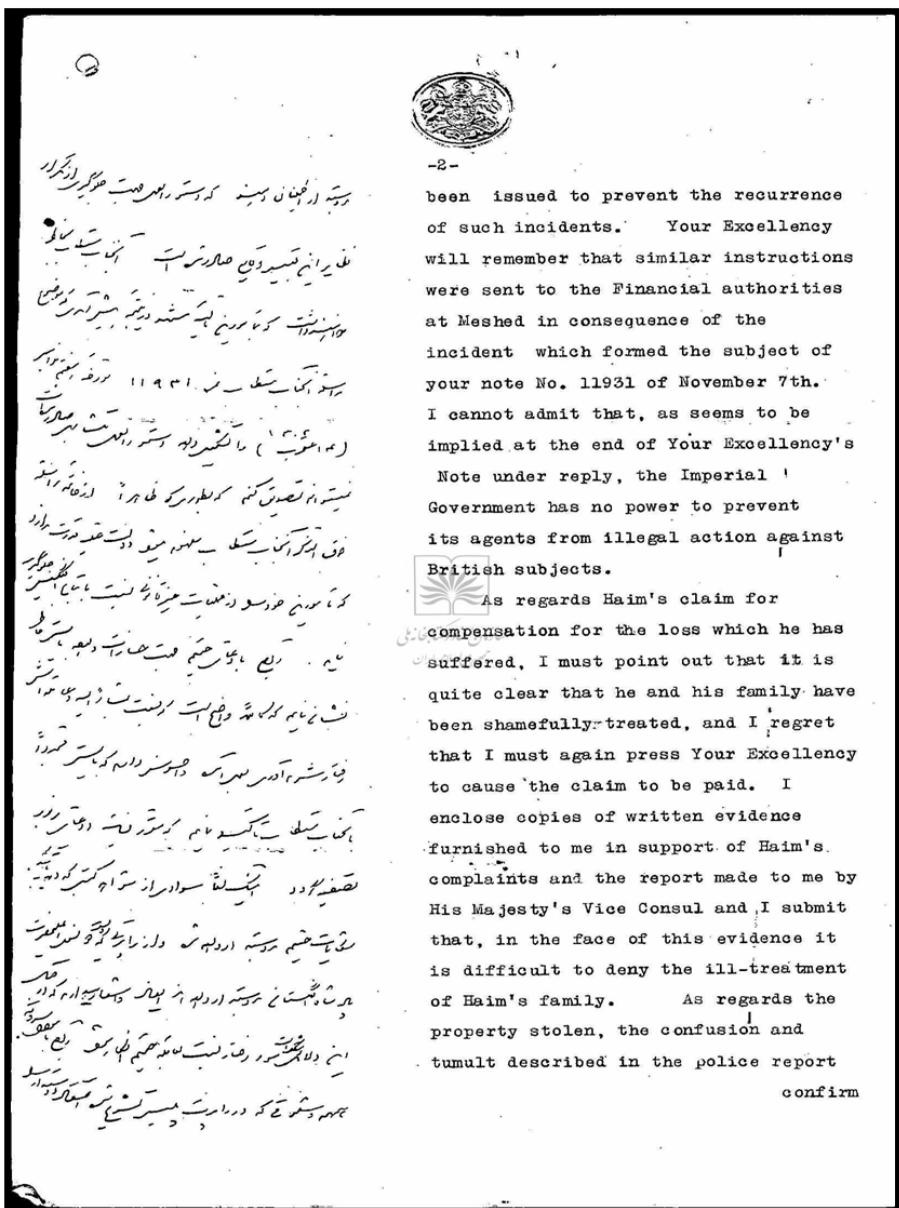


(ضمیمه شماره ۷، ص ۲) شکایت وزارت عدالت از دخالت مستقیم سفارت انگلیس در جلوگیری از اجرای احکام





(ضمیمه شماره ۸، ص ۲) سو رفتار مأموران اجرای عدليه با مأموران انگلیسي



(ضمیمه شماره ۸، ص ۳) سو رفتار مأموران اجرای عدالیه با مأموران انگلیسی



-3-

confirm my belief in Haim's sworn statement of the theft.

I earnestly request Your Excellency's cooperation in obtaining the perfectly reasonable satisfaction which I have demanded, and preventing this case from assuming proportions which would make a grievous impression on His Majesty's Government.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

Percy Loraine



سازمان ملاده های خارجی
بجزیره مسکوی ایران

Percy Loraine

(ضمیمه شماره ۸، ص ۴) سو، رفتار مأموران اجرای عدليه با مأموران انگلیسي

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- امین، سید حسن (۱۳۸۲)، «نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطه»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، س، ۲، ش، ۹، صص ۷۱-۲۹.
- آبادیان، حسین (زمستان ۱۳۸۹)، «موازنۀ شرع و عرف در نظام حقوقی ایران در دوره قاجار»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، س، ۲، ش، ۷، صص ۷-۲۴.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، «افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده قاجار»، تهران: نشر آگاه.
- بشیری، احمد (۱۳۶۷)، کتاب نارنجی، گزارش سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، تهران: نشر نو.
- (۱۳۶۲)، کتاب آمی، گزارش‌های محترمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره مشروطه ایران، ج، ۱، تهران: نشر نو.
- بیگدلو، رضا (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، «خانه‌های انصاف، نوسازی قضایی یا بازگشت به سنت دادرسی»، *مجله علمی-پژوهشی تاریخ ایران*، س، ۱۳، ش، ۱، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۰)، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران اسلامی در دوره قاجار*، شیراز: نوید شیراز.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۲۵) گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، تهران: نشر اداره کاوه.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۲)، *تاریخ مردم ایران در دوره قاجار*، تهران: نشر کتاب پارسه.
- سیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی (۱۳۶۲)، *سفرنامه سیدالسلطنه (التدقیق فی سیر الطریق)*، تصحیح احمد اقتداری، تهران: نشر بهشهر.
- سعادت کازرونی، محمدحسین (۱۳۹۰)، *تاریخ بوشهر، تصحیح عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ الحکمای*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتب.
- (۱۳۶۷)، *تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس در زمان محمدشاه قاجار ۱۲۵-۱۲۶۴ق*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، گیلان: نشر مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- شهیدی، حمیده (زمستان ۱۳۹۸)، «جایگاه شرع و عرف در نظام قانونگذاری صدر مشروطیت با تکیه بر استناد عدیله»، *فصلنامه تاریخ پژوهی*، ش، ۷۹، صص ۹۵-۱۱۴.
- شهیدی، حمیده، هادی و کیلی و عباس سرافرازی (زمستان ۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از عدیله و تکاپوی دستگاه قضاء در برآوردن آن طی سالهای آغازین مشروطه»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، س، ۲۷، ش، ۴، صص ۸۹-۶۷.
- فلور، ویلم و امین بنانی (۱۳۸۸)، *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- لوریمر، ج. گ. (۱۳۸۸)، *وقایع نگاری خلیج فارس بخش تاریخ ایران*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد ایرانشناسی.
- لمبن، آن. ک. س. [بی‌تا]، *اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه منیر برزین، مشهد: [بی‌نا].
- کاکس، سرپرسی (۱۳۸۶)، *مشروطیت جنوب ایران*، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: بنیاد ایران‌شناسی بوشهر.
- کرزن، جرج. ن. (۱۳۴۷)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غ. وحید مازندرانی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- کسری، احمد (۱۳۲۳)، *د سال در عدیله (دوره دوم زندگی احمد کسری)*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۹۰)، *گزیده اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- محبوی اردکانی، حسین (۱۳۵۷)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۲، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۳۴ [بی‌تا]، تهران: [بی‌نا].
- مروارید، یونس (۱۳۷۷)، *ادوار مجلس قانونگذاری در دوران مشروطیت*، از مشروطه تا جمهوری، نگاهی به مجلس دوم و بنیان‌گذاری نظام جدید قضایی، تهران: نشر اوحدی.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴)، *مذاکرات مجلس اول (توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل ۱۳۲۴-۱۳۲۶ اق)*، تهران: نشر مازیار.
- ونسا، مارتین (۱۳۸۹)، *دوران قاجار، چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران سده نوزدهم*، ترجمه افسانه منفرد، تهران: نشر آمه.

ب. اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۵۵۰۰۰۳۴۱، محل در آرشیو، آ۵۰ ب خ ۱، ۱۳۰۲ ش (ضمیمه شماره ۱۵).
-، ۳۶۰۰۰۶۶۴۷، محل در آرشیو، ۳۱۵ ت ۱۳۰۲، ۱۳۰۲ ش (ضمیمه شماره ۸۰).
-، ۲۴۰۰۳۰۲۰۱، محل در آرشیو، ۲۰۷ ط ۵ ب ۱۱، ۱۳۰۲ ش (ضمیمه شماره ۴).
-، ۲۹۳۰۰۸۳۵۴، محل در آرشیو ۵۲۹ ک ۴ ب ۱، ۱۳۰۳ اق (ضمیمه شماره ۶).
-، ۲۹۸۰۰۲۵۷، محل در آرشیو، ۱۳۱۱۰۷ ت ۱، ۱۳۲۸ اق (ضمیمه شماره ۵).

- ۱۳۲۹، محل در آرشیو، ۱۳۲۹، ۰۳۱۳، ۰۰۸۹۲، —
 (ضمیمه شماره ۲).
- ۱۳۲۹، محل در آرشیو، ۵۲۲، ۶۳۰، ۵۵۵۰۰، —
 ۱۳۲۹.
- ۱۳۳۱، محل در آرشیو، ۸۰۸، الف، ۲۶۸، ۰۰۳۶، —
 ۱۳۳۱ (ضمیمه شماره ۷).
- ۱۳۳۳، ش آر، ۳۲۱، ۱۲۳۶۰، ۰۰۶۹، محل در آرشیو، —
 (ضمیمه شماره ۳).

ج. روزنامه‌ها

- روزنامه آفتاب (۱۳۳۰)، سال اول، شماره ۴۰، ص ۲.
- (۱۳۳۰)، سال اول، شماره ۶۵، ص ۱، ۲.
- روزنامه اختر (۱۲۹۲)، سال اول، نمره ۳، ص ۳.
- وزنامه ایران (۱۲۸۸)، نمره ۲۶، ص ۲.
- روزنامه بی طرف (۱۳۳۱)، شماره ۲۳، ص ۶.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴)، سال دوم، شماره ۲۵، ص ۵.
- روزنامه جریده ملی (۱۳۲۴)، ص ۱.
- روزنامه حبیل المتنین (۱۳۱۵)، سال ۵، شماره ۲۳، ص ۲۲.
- (۱۳۱۸)، سال ۶، شماره ۲۱، ص ۶.
- (۱۳۲۹)، سال ۱۴، شماره ۶، ص ۲.
- (۱۳۲۴)، سال ۱۴، شماره ۱۹، ص ۱۵.
- (۱۳۳۰)، سال ۱۹، شماره ۳۴، ص ۱۸.
- (۱۳۳۳)، سال ۲۳، شماره ۱۳، ص ۲۱.
- (۱۳۴۲)، سال ۳۳، شماره ۱۱، ص ۱.
- روزنامه قانون [بی‌تا]، نمره نهم، ص ۱.
- [بی‌تا]، نمره سی‌ام، ص ۳۳.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۵)، سال اول، شماره ۱۰۴، ص ۳.
- روزنامه مظفری (۱۳۲۸)، سال دهم، شماره سوم، ص ۱۲.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۸۵)، نمره ۴۰۷، ص ۲.
- یادگار جنوب، ۱۳۲۹: سال اول، شماره ۳۲، ص ۶.

د. منابع انگلیسی

- Richard, Yann (2019), *Constitutional Revolution: From Illusion to Reality*, Cambridge: Cambridge University Press.

List of sources with English handwriting:

- Amin, Seyed Hassan (2003), "Iran's Judicial System from the Beginning of the Constitutional Revolution", *Quarterly Journal of Research in Law and Politics*, Vol. 2, No. 9, pp. 29–71.
- Abadian, Hossein (Winter 2010), "The Balance of Sharia and Custom in the Iranian Legal System in the Qajar Period", *Quarterly Journal of Islamic History*, Vol. 2, No. 7, pp. 24–7.
- Adamit, Fereydoun and Homa Nategh (1977), "*Social, political and economic thoughts in the unpublished works of Qajar*", Tehran: Agah Publishing.
- Bashiri, Ahmad (1988), *the Orange Book*, Political Report of the Tsarist Russian Foreign Ministry on the Iranian Constitutional Revolution, Tehran: New Publication.
- (1362), *Blue Book*, Confidential Reports of the British Ministry of Foreign Affairs on the Iranian Constitution, Vol. 1, Tehran: New publication.
- Bigdelou, Reza (Spring and Summer 1399), "Houses of Justice, Judicial Renovation or Return to the Judicial Tradition", *Scientific-Research Journal of Iranian History*, Vol. 13, No. 1, pp. 101–120.
- Tajbakhsh, Ahmad (2001), *History of Civilization and Culture of Islamic Iran in the Qajar Period*, Shiraz: Navid Shiraz.
- Jamalzadeh, Mohammad Ali (1335), *The Treasure of Shaygan or the Economic Situation of Iran*, Tehran: Kaveh Office Publishing.
- Dehghani, Reza (2013), *History of the Iranian people in the Qajar period*, Tehran: Parseh Book Publishing.
- Sadid al-Saltanah Minabi Bandar Abbasi, Mohammad Ali (1362), *Travelogue of Sadid al-Saltanah (Al-Tadqiq Fi Sir Al-Tariq)*, edited by Ahmad Iqtadari, Tehran: Behshahr Publishing.

- Saadat Kazeruni, Mohammad Hossein (2011), *History of Bushehr*, edited by Abdolrasoul Khairandish and Emadeddin Sheikh Al-Hakmaei, Tehran: Written Heritage Research Center.
- (1367), *History of the ports and islands of the Persian Gulf in the time of Mohammad Shah Qajar 1250-1264 AH*, edited and annotated by Manouchehr Sotoudeh, Gilan: Jahangiri Cultural Institute.
- Shahidi, Hamideh (Winter 1398), "The place of Sharia and custom in the legislative system of the early days of constitutionalism based on judicial documents", *Quarterly Journal of Research History*, Vol. 79, pp. 95-114.
- Shahidi, Hamideh, Vakili, Hadi, Sarafrazi, Abbas (Winter 2017), "Components expected by the people from the judiciary and the efforts of the judiciary to meet it during the early years of the Constitution" Quarterly, *Treasury of Documents*, p.4, p. 27, pp. 89-67.
- Flora, Willem and Amin Banani (2009), *Judicial System of Qajar and Pahlavi Era*, translated by Hassan Zandieh, Qom: Research Institute and University.
- Lorimer, J. k. (2009), *Persian Gulf Chronicles, History of Iran*, translated by Abdolmohammad Ayati, Tehran: Iranology Foundation.
- lamton. N. k s. [بیتای], *The Social Situation of Iran in the Qajar Era*, translated by Munir Barzin, Mashhad: [بینا].
- Cox, Supervision (2007), *Constitutionalism of Southern Iran*, translated by Hassan Zanganeh, Bushehr: Bushehr Iranian Studies Foundation.
- Curzon, George. N. (1347), *Iran and the case of Iran*, translated by Gh. Vahid Mazandarani, Tehran: Scientific and Cultural Publishing.
- Kasravi, Ahmad (1323), *Ten years in the judiciary (the second period of Ahmad Kasravi's life)*, [بیجا]: [بینا].
- Kouhestani Nejad, Massoud (2011), Selection of Documents of Provincial and Provincial Associations, Tehran: Library, Museum and Documentation Centers of the Islamic Consultative Assembly.
- Mahboubi Ardakani, Hossein (1978), *History of New Civilization Institutions in Iran*, Volume 2, Tehran: University of Tehran Press.

- *Debates of the National Assembly*, first period, 1334 [bītā], Tehran: [bīnā].
- Morvarid, Younes (1998), *the Periods of the Legislative Assembly during the Constitutional Era, from the Constitution to the Republic*, a Look at the Second Assembly and the Establishment of a New Judicial System, Tehran: Ouhadi Publishing.
- Mirza Saleh, Gholam Hossein (2005), *Negotiations of the First Parliament (Iran's political development in the abyss of international politics 1324-1326 AH)*, Tehran: Maziar Publishing.
- Vanessa, Martin (1389), *Qajar period; Bargaining, Protest, and the Government in Nineteenth-Century Iran*, translated by Afsane Monfared, Tehran: Ameh Publishing.

B. documents

- *National Archives and Library of Iran* (Sakma), 355000341, location in the archive, 4A 50BKh1, 1302 (Appendix No. 1).
- , 3600006647, place in the archive, 315, 13 and A, 1302 (Appendix No. 8).
- , 240030201, place in the archive, 207, 5th floor, 1302 (Appendix No. 4).
- , 293008354, location in the archive 529K4BA, 1303 AH (Appendix No. 6).
- , 298000257, place in the archive, 131107, 1328 AH (Appendix No. 5).
- , 29800313, place in the archive, 602 vol. 13, 1329 AH (Appendix No. 2).
- , 355000630, place in the archive, 522b3x1, 1329 AH.
- , 360000268, place in the archive, 808, A. Va, 1331 AH (Appendix No. 7).
- , 296012366, place in the archive, 321, Shar, 1333 AH (Appendix No. 3).

J. newspapers

- *Aftab newspaper* (1330 AH), first year, number 40, page 2.
- (1330 AH), first year, number 65, pp. 1, 2.
- *Akhtar newspaper* (1292 AH), first year, grade 3, page 3.
- *Iran Newspaper* (1288 AH), No. 26, p.2.
- *Neutral newspaper* (1331 AH), No. 23, p.6.
- *Chehreh Nema newspaper* (1324 AH), second year, number 25, page 5.
- *Jarideh Melli newspaper* (1324 AH), p.1.
- *Habalmutin newspaper* (1315 AH), year 5, number 23, page 22.
- (1318 AH), year 6, number 21, page 6.
- (1329 AH), year 14, number 6, page 2.
- (1324 AH), year 14, number 19, page 15.
- (1330 AH), year 19, number 34, page 18.
- (1333 AH), year 23, number 13 page 21.
- (1343 AH), year 33, number 11, page 1.
- *Law newspaper* [No Date], ninth grade, p.1.
- *Majles newspaper* (1325 AH), first year, number 104, page 3.
- *Mozaffari newspaper* (1328 AH), tenth year, third issue, p.12.
- *Vaqaye Etefaqiyeh newspaper* (1285 AH), number 407, page 2.
- *Yadegar-e-Junub*, 1329 AH: First year, No. 32, p. 6.

